

معاون اول رئیس جمهور:

هرعمل مجرمانه از ناحیه اتباع ایرانی با غیرایرانی تابع مجازات است



معاون اول رئیس جمهوری با بیان اینکه نادیده گرفتن حاکمیت ملی و عبور غیرقانونی از مرز را نباید نادیده گرفت، تأکید کرد: یک افغانستان یکپارچه، متحد آرام و موفق برای ایران تکیه‌گاهی استوار و

قابل اعتنا است.

محمدرضا عارف در گفت‌وگو با «ایرنا» درباره اتباع بیگانه و اخبار و شایعات مطرح شده در فضای مجازی، با تأکید براینکه سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران درباره حضور پناه‌جویان روشن است و با تغییر رویه رو نشده، گفت: «دولت براساس قوانین و در قالب توان و استعداد موجود این موضوع را در شرایط خاص کنونی همراه با سایر مسائل جاری دنبال می‌کند.»

وی با اشاره به اینکه لازم است نگرش آسیب‌شناسانه به ماهیت این امر داشته باشیم، ادامه داد: «اکنون به دلیل شرایط سخت افغانستان جمعیت میلیونی قابل شماری در ایران از خدمات گسترده‌ای برخوردار هستند که مدیریت این شرایط هزینه‌های سنگینی را بر بودجه کشوری که تحت تحریم‌ها قرار دارد، تحمیل کرده است.»

عارف گفت: «برای ساماندهی، لازم است مدیریت منسجم و هماهنگی باشد تا علاوه بر عبور این جمعیت از وضعیت ایام هجرت، زمینه بازگشت آنان به سرزمین مادری به نحو شایسته‌ای فراهم شود.» وی با بیان اینکه ما با گروه‌های متنوعی از اتباع افغانستان روبه رو هستیم که وضعیت اقامتی آنان یک قالب مشخص ندارد، اظهار کرد: «ورود غیرقانونی اتباع در همه جای دنیا جرم است. قوانین ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. نادیده گرفتن حاکمیت ملی و عبور غیرقانونی از مرز را نباید ساده گرفت. بخشی از مشکل جمعیتی از اتباع برخاسته از همین وضعیت است. حتی ناپاسامی اتباعی که غیرقانونی از مرز عبور کرده‌اند، می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیری را متوجه هموطنان‌شان که دارای اقامت قانونی هستند بکند. مسأله دیگر، متوجه گروه دیگری است که به صورت قانونی وارد می‌شوند اما ای‌توجه به قوانین در پایان دوره مقرر کشور را ترک نمی‌کنند یا غیرقانونی به اشتغال مبادرت می‌ورزند. در این شرایط بخش اندکی از افراد فاقد صلاحیت برای استمرار حضور غیرقانونی خود دست به اعمال خلاف می‌زنند که نه تنها جرم تلقی می‌شود بلکه اثر سوئی بر امنیت ملی دارد.»

وی گفت: «گروهی که دارای اقامت قانونی هستند، تلاش کنند در برابر عده کم‌شماری که با ارتکاب بزه آسایش آنان را مختل می‌سازند، مسئولانه گام بردارند. هر عمل مجرمانه از ناحیه اتباع ایرانی یا غیرایرانی تابع مجازات و کیفر است و اقدام قانونی با مجرمان و بزه‌کاران ایرانی و غیر ایرانی یکسان خواهد بود.»

وزیر امور خارجه به دولت گزارش داد

احترام اعضای بریکس به مقاومت پیروزمندانه ایران

صبح دیروز هیأت دولت به ریاست مسعود پزشکیان علاوه بر طرح موارد اجرایی دستگاه‌ها، سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه گزارشی از حضور در اجلاس بریکس و دیدارهای حاشیه آن و نیز سفر به عربستان سعودی ارائه کرد. به گزارش ایرنا، عراقچی از احترام ویژه اعضای بریکس نسبت به مقاومت پیروزمندانه ملت و دولت ایران در برابر تهاجم آمریکا و رژیم صهیونیستی، گفت و جلوه‌های اتحاد و انسجام ملت ایران و نقش بازدارنده این وحدت و نیز موشک‌های پیشرفته نیروهای مسلح کشورمان در شکست اهداف و برنامه‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا را از زاویه دید مقامات و دیپلمات‌های سایر کشورها در اجلاس بریکس، برای اعضای دولت تشریح کرد.

کارشناسان مذهبی و سیاسی تبیین کردند

سه ستون قوام و دوام ایران

گزارش

الهام یوسفی

گروه سیاسی

کشور یا تمدن ایران قدمتی چند هزار ساله دارد. مشخصاً درباره آنچه «تمدن» به معنای شهرنشینی‌اش، یا آنچه «نخستین حکومت‌ها» خوانده می‌شود، می‌توان گفت این امر در ایران حدود ۴۷۰۰ سال قدمت دارد، یعنی از زمانی که عیلامیان در بخش‌هایی از عراق و خوزستان امروزی حکومت تشکیل داده بودند. اما مسأله مهم‌تر درباره «ایران» این است که به رغم قدمت حدود ۵ هزار ساله‌اش، امروز همچنان یکی از سؤال‌های رایج این است: «ایران چیست؟ ایران یک فرهنگ است یا یک سرزمین؟ اگر یک فرهنگ است، عناصر آن چیست؟» کمتر کشوری را می‌توان یافت که تعریف و شناسایی اجزای فرهنگ و تاریخش، همچنان یک «مسأله» یا یک «سؤال» باشد. اما چرا ایران همچنان مسأله با همچنان سؤال است؟ در پاسخ به اینکه «چرا ایران

را حفظ و نگهدار خرد و آزادی انسان می‌دانند؟» می‌توان گفت شاید به این دلیل که ایران یک «آتشکده فرهنگی» است. منظور از اینکه ایران یک «آتشکده فرهنگی» است، این است که ایران در طول تاریخش به‌تعبیر احمد شاملو – «به پای‌دارنده آتش‌ها» بوده است، آتش آزادی، آتش خرد، آتش حرمت انسان و آتش ایمان توحیدی. ایران را باید ترکیب یا پیوندی متشکل و مقوم، از عناصر متنوعی چون زبان، اقوام، سرزمین، تاریخ، دین و مانند آن دانست. اما چرا برخی انسان‌ها این عناصر را از هم تفکیک می‌کنند و برخی فقط زبان و تاریخ ایران و برخی فقط دین را برجسته می‌کنند؟ یک پاسخ این است که این تفکیک‌گران، در این تفکیک غرض و مرضی را دنبال می‌کنند، غرض و مرض اینکه ایران را از عناصر قدرت بخش و شکل‌دهنده‌اش جدا کنند و با استفاده از این جداسازی، قدرت و نفوذ خود را صورت‌بندی کنند. اما این تلاشی است «دون کیشوت»، چرا که اگر این افراد بخواهند اجزای متنوع و مقوم تاریخ، هویت

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر

تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل

فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم

از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی،

و هم عرفان شیعی آن که شیخ

شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا

قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین

سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم

مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل

هویت و ناجی این سرزمین است

و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان

شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه

است که می‌تواند استقلال خود

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر

تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل

فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم

از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی،

و هم عرفان شیعی آن که شیخ

شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا

قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین

سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم

مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل

هویت و ناجی این سرزمین است

و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان

شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه

است که می‌تواند استقلال خود

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر

تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل

فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم

از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی،

و هم عرفان شیعی آن که شیخ

شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا

قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین

سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم

مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل

هویت و ناجی این سرزمین است

و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان

شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه

است که می‌تواند استقلال خود

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر

تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل

فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم

از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی،

و هم عرفان شیعی آن که شیخ

شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا

قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین

سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم

مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل

هویت و ناجی این سرزمین است

و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان

شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه

است که می‌تواند استقلال خود

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر

تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل

فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم

از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی،

و هم عرفان شیعی آن که شیخ

شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا

قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین

سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم

مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل

هویت و ناجی این سرزمین است

و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان

شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه

است که می‌تواند استقلال خود

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر

تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل

فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم

از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی،

و هم عرفان شیعی آن که شیخ

شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا

قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین

سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم

مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل

هویت و ناجی این سرزمین است

و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان

شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه

است که می‌تواند استقلال خود

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر

تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل

فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم

از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی،

و هم عرفان شیعی آن که شیخ

شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا

قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین

سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم

مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل

هویت و ناجی این سرزمین است

و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان

شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه

است که می‌تواند استقلال خود

و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند،

در نهایت کاری بیش از نبرد دون

کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد

بود؛ به این ترتیب که آنان فقط

خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در

نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد

در طول تاریخ و مسلمانان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها

که در میان است، وظیفه‌ای بر

دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان

راستین سنگینی می‌کند. این

وظیفه این است که ایران را باید

در کلیت آن شناخت و در کلیت

آن معرفی کرد. ایران امروز، هم

حامل اسلام انقلابی مبتنی بر</



تلگراف این هفته در گزارشی نوشت که «به نظرمی‌رسد موشک‌های ایرانی مستقیماً به پنج پایگاه نظامی اسرائیل در شمال، جنوب و مرکز کشور برخورد کرده‌اند.»

وب‌سایت خبری اسرائیلی Walla نیز روز چهارشنبه گزارش داد که دفتر نخست‌وزیر نظامی اسرائیل مانع از انتشار اطلاعات مربوط به آسیب موشک‌های ایرانی به زیرساخت‌های نظامی شده است. روزنامه

بلندمدت بسیار بیشتر از این ارقام است، برخی از آنها اصلاً قابل محاسبه نیستند.»

خسارات سانسور شده

با این حال، تمام خسارات وارده به اسرائیل در طول این درگیری گزارش نشده است. سانسور نظامی اسرائیل مانع از انتشار اطلاعات مربوط به آسیب موشک‌های ایرانی به زیرساخت‌های نظامی شده است. روزنامه

خسارات مستقیم به این مراکز بیش از ۳ میلیارد شکل (۹۰۰ میلیون دلار) برآورد شده است.

به گزارش هآرتس خسارات وارد شده به مؤسسه وایزمن بویژه شدید بوده است. در این گزارش آمده است: «برآوردهای اولیه، خسارت مستقیم به ساختمان‌ها و تجهیزات را بین ۱.۵ تا ۲ میلیارد شکل (۴۵۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار) اعلام کرده‌اند، اما زیان‌های علمی و اقتصادی

همچنین از تخریب‌های اضافی در پترالسبع و حیفا که به ترتیب بزرگ‌ترین شهرهای جنوب و شمال اسرائیل هستند، گزارش‌هایی منتشر شده است.

سازمان مالیات اسرائیل اعلام کرد بیش از ۴۶ هزار درخواست غرامت برای خسارات وارد شده به منازل، خودروها، اموال و تجهیزات ثبت شده است. به گزارش تایمز اسرائیل، حدود ۱۸ هزار نفر از ساکنان مجبور به ترک خانه‌های خود شدند و بیشتر آنها با هزینه دولت به هتل‌ها منتقل شدند.

در بخش عمده‌ای از این درگیری ۱۲ روزه، تنها کارکنان ضروری مجاز به حضور در محل کار بودند، زیرا اسرائیل کاتر، وزیر دفاع وضعیت اضطراری سراسری اعلام کرده بود. هزینه اقتصادی این جنگ قابل توجه بود. به گزارش پدیعوت آحارونوت به نقل از اتحادیه تولیدکنندگان اسرائیل، تعطیلی فعالیت‌ها روزانه حدود ۱.۵ میلیارد شکل (۴۵۰ میلیون دلار) به اقتصاد این کشور زیان وارد کرده است. مراکز حیاتی نیز در این جنگ هدف قرار گرفتند، از جمله مؤسسه وایزمن در خوفوت و پالایشگاه‌های نفت بازان در حیفا. فقط

با پایان یافتن جنگ، گزارش‌های رسانه‌ای اکنون شروع به آشکار کردن ابعاد کامل ویرانی‌های ناشی از برخورد موشک‌های ایرانی به اسرائیل در طول جنگ ماه گذشته کرده‌اند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، پس از اعلام آتش‌بس توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، در تاریخ ۲۳ ژوئن، از یک «پیروزی تاریخی» سخن گفت. با این حال، نتانیاهو اذعان کرد که اسرائیل متحمل تلفات سنگینی شده است. وزارت دارایی هزینه کلی این درگیری را ۱۰ میلیارد شکل (۳ میلیارد دلار) برآورد کرده است. به گزارش TheMarker، بخش اقتصادی هآرتس، خسارت مستقیم ناشی از حملات موشکی ایران بین سه تا پنج میلیارد شکل (۹۰۰ میلیون تا ۱.۵ میلیارد دلار) ارزیابی شده و پیش‌بینی می‌شود خسارات غیرمستقیم نیز در همین حدود باشد.

داده‌های منتشرشده در معاریو نشان می‌دهد که بیش از ۱۰۰۰ ساختمان، عمدتاً در شهرهای مرکزی مانند رامات گان، تل‌آویو، نس زبونا و بات-یام آسیب دیده یا ویران شده‌اند.

«میدل ایست آی» از ضربات موشکی ایران

به زیرساخت‌های حیاتی اسرائیل گزارش داد

دفتر نتانیاهو هم در امان نماند

گزارش

با فروکش کردن جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و ایران به دنبال تجاوز رژیم اسرائیل به کشورمان، ابعاد واقعی خسارات و تلفات ناشی از حملات موشکی ایران به اسرائیل در حال آشکار شدن است؛ از تخریب هزاران ساختمان و مراکز حیاتی گرفته تا ضربه‌های سنگین اقتصادی که با سانسور گسترده اسرائیل در درز پیدا کردن این خسارات مواجه شده است. به نظر می‌رسد «پیروزی تاریخی» که نتانیاهو درباره ایران از آن سخن می‌گوید، اکنون در سایه ویرانی‌ها و هزینه‌های چند میلیارد دلاری، بیش از پیش زیر سؤال رفته است. پایگاه خبری-تحلیلی «میدل ایست آی» روز گذشته با استناد به منابع رسانه‌ای عبری، ابعاد دیگری از آسیب‌های وارده به رژیم صهیونیستی را گزارش کرده است. خساراتی که حالا حتی به دفتر نتانیاهو هم رسیده است. متن این گزارش در ادامه آمده است.

#دولت_کنار_مردم

همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولت همه تلاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ احتمالی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سر آن به مرزها و گمرکات کشور برای تأمین و ورود کالاهای اساسی می‌رسد، یا یک سر آن به مزارع گندم و جای می‌رسد و سر دیگر آن به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می‌کنند. خدمت مهم دیگر دولت در این روزها، تأمین و پرداخت خسارت ایرانیانی است که در تجاوز دشمن، خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند یا خانه و کاشانه آنان آسیب دیده است. در این صفحه تلاش شده است بخشی از این اقدامات دولت، نه در قالب کلام، بلکه در قالب تصویر بیان شود.

وزارت راه و شهرسازی



وزارت صنعت، معدن و تجارت



بانک مرکزی



وزارت نیرو



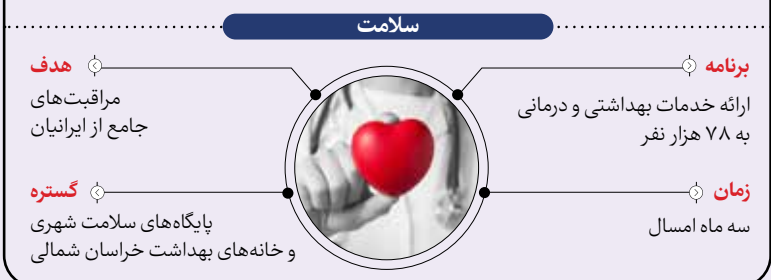
وزارت جهاد کشاورزی



وزارت امور اقتصادی و دارایی



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی



ایران online
www.ion.ir

با ایران آنلاین
آنلاین باشید

الوفاق
صحيفة ایران الدولية

روزنامه عرب زبان مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

پذیرش آگهی‌های الوفاق
۸۸۵۰۰۶۰۱-۴

IRAN DAILY

www.newspaper.iran-daily.com
021-88500601-4

ایران
پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷



اوراق تبعی بیمه سهام به تصویب صندوق تثبیت بازار سرمایه رسید

ابتکار بهبود اعتماد در بورس



روز سه‌شنبه هیأت امنای صندوق تثبیت بازار سرمایه به ریاست وزیر اقتصاد، مصوبه‌ای مهم را به تصویب رساند: «انتشار اوراق تبعی بیمه سهام و اوراق تبعی تأمین مالی». این طرح، که تا سقف ۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار دارد و بیمه برای سبدهای تا ۵۰۰ میلیون تومان است، هدفش آرام‌سازی بازار، بهبود اعتماد سرمایه‌گذاران خرد و جلوگیری از خروج سرمایه اعلام شده است؛ اما کارشناسان بازار بانگاهی نسبی به ماهیت و اثرات احتمالی آن، دیدگاه‌های متنوعی ارائه داده‌اند.

«اوراق تبعی» که در بورس با نام «اوراق اختیار فروش تبعی» شناخته می‌شود از جمله اوراقی است که سازوکاری مشابه با قراردادهای اختیار خرید و فروش دارد و از جمله ابزارهایی است که امکان بیمه کردن پرتفوی و مدیریت ریسک را برای افراد فراهم می‌کند. برای روشن شدن، به این مثال توجه کنید: فرض کنید یک شرکت بورسی، شروع به انتشار اوراق اختیار فروش تبعی خود می‌کند. مثلاً قیمت دارایی

پایه ۲۴۴ تومان است و قیمت اعمال اوراق اختیار فروش در تاریخ سررسید ۲۵۸ تومان مشخص می‌شود. حال در سناریوی اول اگر در زمان سررسید قیمت سهام این شرکت بیش از ۵ درصد (به علاوه قیمت اوراق) شود، سهامدار بهتر است اختیار خود را اعمال نکند. در سناریوی دوم اگر قیمت سهام با افت مواجه شود یا در همین محدوده قیمتی فعلی بماند، فرد می‌تواند اوراق اختیار خود را اعمال کند و سهام خود را در قیمت اعمال به فروش برساند. در این صورت فرد نه تنها دچار زیان نمی‌شود، بلکه حداقل ۵ درصد سود تضمینی برای خود محقق می‌کند. حال در سناریوی سوم اگر قیمت سهم تغییری نکند سهامدار تنها باید قیمت اوراق را پرداخت کند و دچار زبانی از طرف سهامداری سهم نخواهد شد.

کارشناسان تأکید دارند که انتشار اوراق تبعی پیش از این نیز تجربه شده است؛ اما نه برای بیمه مستقیم‌داری سرمایه‌گذاران. سابقه‌ای که اگرچه مثبت بوده، اما بیمه‌گری ملموس و تضمینی نبود و بیمه‌گران حاضر به پذیرش ریسک این مدل نبوده‌اند. حالا طرحی ارائه شده که قرار است به صورت مستقیم پرتفوی سهامداران حقیقی را تحت حمایت قرار دهد؛ اقدامی که تا پیش از این بی‌سابقه تلقی می‌شد.

برخی کارشناسان برای نکته تأکید دارند که طرح ملی بیمه سهام اگر به درستی اجرا شود، مانند یک سپر روانی برای سرمایه‌گذاران عمل کرده و تا حدی نوسانات شدید را مهار می‌کند

نقدها و تذکرات محتاطانه

باوجود نگاه مثبت، برخی تحلیلگران می‌گویند که اجرای موفق این طرح مستلزم طراحی دقیق مکانیزم شفاف و برآورد منطقی ریسک است. همچنین تأکید شده که اگر نرخ و نرخ‌گذاری اوراق تبعی مطابق با واقعیت‌های بازار نباشد، نه تنها حمایت مؤثر نخواهد بود، بلکه ممکن است تکمیل بازار ثانویه را با مشکل مواجه کند.

ابزارهای مشتقه: نسخه بین‌المللی برای کنترل ریسک

در همین زمینه فردین آقابزرگی کارشناس ارشد بورس در گفت‌وگو با «ایران» اظهار کرد: «تنشستی که هیأت امنای صندوق با محور حمایت از سهامداران، به خصوص سهامداران خرد برگزار کرد، اتفاق مثبتی است. از لحاظ تجربه بین‌المللی نیز همین ابزارها را در دنیا داریم. اختیار فروش تبعی، بومی‌سازی شده ابزارهای آپشن است که قبلاً هم وجود داشته، یعنی ضمانت خرید در سررسید با قیمت مشخص. این ابزار، مانع افت قیمت سهام می‌شود، یا به بیان بهتر، حس افت قیمت را از بین می‌برد، چراکه نوعی تضمین به سرمایه‌گذار می‌دهد.» وی افزود: «استفاده از ابزارهای مالی مشتقه مانند آپشن‌ها (اختیار خرید و فروش) در تمام دنیا رایج است و یکی از مؤثرترین ابزارهای پوشش ریسک نوسان قیمت محسوب می‌شود. ابزار فیوچرز (آتی) نیز مکمل این ساختار است. حالا صندوق تثبیت بازار تصمیم گرفته که از همین ابزارها استفاده کند؛ پیشنهادی که در گذشته هم از سوی برخی اساتید و صاحب‌نظران مطرح شده بود؛ ازجمله اینکه اگر سرمایه‌گذارانی با سرمایه کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان مقدار مشخصی ضرر کردند، بخشی از آن جبران شود.»

تجربه‌ای که در دنیا وجود ندارد
آقابزرگی بیان کرد: «این مدل از «بیمه سهام» که محوریت آن نه اوراق مشتقه بلکه «خود سهام» است، در سطح بین‌المللی عملاً بی‌سابقه است. در دنیا چنین چیزی نداریم. با این حال، اعتقاد دارم جای رشد زیادی در حوزه آپشن‌ها در ایران وجود دارد، چراکه هنوز به آن سطح از بلوغ بازار، آگاهی عمومی و حجم معاملات نرسیده‌ایم.» این کارشناس بورس تأکید کرد: «معاملات آپشن در حال حاضر در بازار سرمایه ایران کمتر از ۲ درصد از کل حجم معاملات بورس در یک سال را شامل می‌شود، در حالی که در بازارهای مالی بین‌المللی، مشتقات (آپشن‌ها و فیوچرزها) بیش از ۵۰ درصد کل معاملات را تشکیل می‌دهند. در ایران، معاملات سهام همچنان رکن اصلی بازار است.» وی افزود: «آنچه مهم‌تر است، پایداری و تداوم اجرای چنین رویکردهایی در میان‌مدت و بلندمدت است.»

با کاهش سود قیمت هم تعدیل می‌شود:
این کارشناس ارشد بورسی توضیح داد: «وضعیت فعلی بازار مشابه شرایطی است که سود شرکت‌ها در حال کاهش است. وقتی درآمد آنها می‌کند، طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت که قیمت سهام حفظ شود. چون رابطه مستقیمی بین سودآوری و ارزش سهم وجود دارد. هرگونه تلاش برای حفظ قیمت در شرایط افت سود، صرفاً دستکاری قیمتی و غیرواقعی خواهد بود.»

وی تأکید کرد: «در شرایط فعلی، رفتار به اصطلاح هیجانی سرمایه‌گذاران، از نگاه من، کاملاً منطقی است. وقتی چشم‌انداز سود شرکت‌ها تیره است و بازار هم اعتماد خود را از دست داده، فروش و عقب‌نشینی کاملاً طبیعی است.»

دخالت در نظام عرضه و تقاضا بجز در موارد خاص منطقی نیست

آقابزرگی ادامه داد: «اساساً هرگونه دخالت

یادداشت



موناجج علی اصغر

کارشناس بازار سرمایه

نقش سیاست‌گذاری پایدار در بهبود شرایط بازار سرمایه

بازار سرمایه نسبت به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، مالی و حتی مقرراتی واکنشی بسیار سریع و مستقیم دارد. این واکنش زمانی سازنده خواهد بود که سیاست‌گذاری با ویژگی‌های پایدار، پیش‌بینی‌پذیری و هماهنگی میان نهادهای همراه باشد. اما تجربه سال‌های اخیر در بورس، نشان‌دهنده روندی معکوس بوده است. در چنین شرایطی، باطرارحی رویکرد سیاست‌گذاری به عنوان یکی از ال‌امات اساسی در بازسازی اعتماد و عملکرد بازار سرمایه مطرح می‌شود.

۱. سیاست‌گذاری ناپایدار: ریشه بی‌اعتمادی در بازار
یکی از دلایل اصلی خروج مداوم سرمایه از بازار سرمایه، تصمیماتی بوده که بدون در نظر گرفتن تأثیرات میان‌مدت و بلندمدت اتخاذ شده‌اند. نمونه‌هایی مانند تغییرات ناگهانی در دامنه نوسان، اعمال قیمت‌گذاری دستوری بر محصولات شرکت‌های بورسی، نوسانات در سیاست ارزی و گمرکی، یا ابلاغ بخشنامه‌های مالیاتی، بارها باعث سردرگمی فعالان بازار شده‌اند. زمانی که فعالان بازار قادر به پیش‌بینی جهت گیری آینده نباشند، ترجیح می‌دهند سرمایه خود را به سمت بازارهای مطمئن‌تر یا حتی راکد ببرند.

۲. ویژگی‌های یک سیاست‌گذاری مؤثر در بازار سرمایه
برای بهبود عملکرد بازار سرمایه، سیاست‌گذاری باید مبتنی بر سه اصل کلیدی باشد:

پیش‌بینی‌پذیری: اعلام برنامه‌های بلندمدت به‌طور شفاف، به فعالان بازار کمک می‌کند تصمیم‌گیری‌های خود را بر مبنای تحلیل منطقی انجام دهند.

ثبات در اجرا: پرهیز از تغییر مداوم مقررات و اجرای سیاست‌ها تا زمان رسیدن به نتیجه ملموس، اعتماد آفرین خواهد بود.

هم‌راستایی با منافع سهامداران: تصمیمات باید به نحوی طراحی شوند که منافع عمومی سهامداران بویژه حقیقی‌ها مورد توجه قرار گیرد و عدالت در فرصت‌ها حفظ شود.

۳. راهکارهای عملی برای تقویت سیاست‌گذاری بلندمدت
برای تحقق سیاست‌گذاری پایدار، پیشنهاد می‌شود:

✓ تدوین و انتشار «نقشه راه توسعه بازار سرمایه» توسط سازمان بورس با افق ۵ ساله و با مشارکت دولت، مجلس و بخش خصوصی؛

✓ ایجاد شورای هماهنگی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مؤثر بر بورس با حضور نمایندگان بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، وزارت صمت و بورس؛

✓ پیاده‌سازی نظام ارزیابی آثار سیاست‌ها بر بازار سرمایه پیش از اجرا، مشابه رویه‌های ارزیابی زیست‌محیطی یا اجتماعی در پروژه‌های عمرانی.

جمع‌بندی: بازار نیازمند آرامش سیاست‌گذار است
اگر هدف سیاست‌گذار حمایت از تولید، تأمین مالی سالم و افزایش مشارکت عمومی در اقتصاد باشد، بازار سرمایه قوی و با اعتماد، بهترین مسیر تحقق این اهداف است. اما این بازار تنها در سایه سیاست‌گذاری پایدار، قابل اتکا خواهد بود.

تغییر این روند نیاز به شجاعت در تصمیم‌سازی و تداوم در اجرا دارد. ثبات سیاستی، نقطه آغاز بازسازی رابطه بازار با سرمایه‌گذاران و یکی از عوامل حیاتی برای رونق اقتصادی است.

بانک ملت
bank mellat

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده

شرکت بانک ملت (سهامی عام)

شماره ثبت ۳۸۰۷۷

شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۳۴۹۶۷

بدین‌وسیله به اطلاع سهامداران محترم بانک ملت (شرکت سهامی عام) می‌رساند؛ جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این بانک در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز سه‌شنبه، مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ در محل: تهران، نیاوران، کاشانک، نرسیده به سمره آجودانیه، شماره ۲۱، مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن، برگزار خواهد شد. سهامداران و یا نمایندگان قانونی ایشان به‌منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ لغایت پایان وقت اداری روز ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ به اداره امور سهام و مجامع بانک واقع در: تهران، خیابان ولی‌عصر (عج)، بالاتر از تقاطع انقلاب، شماره ۱۴۴۳، ساختمان اداره کل حسابداری مالی بانک ملت، طبقه اول، مراجعه نمایند.

لازم به ذکر است، سهامداران حقیقی یا ارائه اصل کارت ملی شخصاً یا از طریق وکیل/ نماینده قانونی به شرط ارائه مدرک نمایندگی و سهامداران حقوقی از طریق وکیل/ نماینده یا نمایندگان خود با ارائه مدرک نمایندگی (اصل کارت ملی، اصل معرفی‌نامه مه‌ور به مهر شرکت به همراه درج شماره ثبت و شناسه ملی سهامداران حقوقی) جهت دریافت برگه ورود به منظور حضور در جلسه مجمع می‌توانند اقدام نمایند.

دستور جلسه:

- تصمیم‌گیری در خصوص افزایش سرمایه
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع فوق‌العاده باشد.

به استحضار سایر سهامداران گرامی می‌رساند؛ امکان مشاهده زنده رویدادها و آگاهی از تصمیمات مجمع، از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی به آدرس www.bmcast.ir فراهم شده است.

هیئت مدیره شرکت بانک ملت (سهامی عام)

هیئت مدیره شرکت بانک ملت (سهامی عام)

جلسه مشترک شورای رقابت و سازمان حمایت برگزار شد

گره کور افزایش ۱۵ درصدی قیمت خودرو

گزارش

سارا غضنفری

دبیر گروه خودرو

روز گذشته خبری منتشر شد مبنی بر جلسه شورای رقابت با نمایندگان وزارت صمت درباره ماجرای افزایش قیمت ۱۵ درصدی خودرو در دوران جنگ ۱۲ روزه. از یک سو، وزیر صمت و سازمان حمایت می‌گویند افزایش قیمت خودرو مربوط به زمان جنگ ۱۲ روزه نبوده و ماجرا به قبل از آن بازمی‌گردد. شورای رقابت هم معتقد است اگر سروقت فرآیند اعلام افزایش قیمت اجرا می‌شد ما به این ماجرا معترض نبودیم. جلسه ۷۵۸ (هفتصد و پنجاه و هشتم شورای رقابت) روز سه‌شنبه ۱۷ تیر ماه به موضوع «بررسی افزایش اخیر قیمت خودروهای داخلی توسط وزارت صمت از منظر انطباق با دستورالعمل تنظیم بازار خودروی سواری شورای رقابت (دستورالعمل ۵۴۳ شورای رقابت)» اختصاص یافت. در این جلسه حسین فرهیدزاده، رئیس سازمان حمایت به عنوان نهاد تابعه وزارت صمت و نماینده این وزارتخانه حضور داشت. ماجرای این جلسه هم به افزایش ۱۵ درصدی قیمت خودرو بازمی‌گردد. از ۲۰ خردادماه امسال روند افزایش قیمت خودرو آغاز شد؛ ابتدا ایران خودرو قیمت‌های خود را افزایش داد و سپس اوایل تیرماه، در جریان جنگ ۱۲ روزه، سایپا و پارس خودرو نیز قیمت محصولاتشان را تغییر دادند. این تغییرات در قیمت‌ها بازار خودرو را تحت تأثیر قرار داد و واکنش‌های متفاوتی از سوی نهادهای مسئول و مصرف‌کنندگان در پی داشت.

برنامه تلویزیونی تأکید کرد که روند افزایش قیمت خودرو از مدت‌ها پیش و قبل از آغاز جنگ ۱۲ روزه آغاز شده و هیچ‌گونه تصمیم‌آتی یا تحت تأثیر تحولات اخیر نبوده است. به گفته او، این افزایش قیمت پس از بررسی‌های کارشناسی و فنی دقیق به وزارت اقتصاد ایران خودرو قیمت‌های خود را افزایش داد و سپس اوایل تیرماه، در جریان جنگ ۱۲ روزه، سایپا و پارس خودرو نیز قیمت محصولاتشان را تغییر دادند. این تغییرات در قیمت‌ها بازار خودرو را تحت تأثیر قرار داد و واکنش‌های متفاوتی از سوی نهادهای مسئول و مصرف‌کنندگان در پی داشت.

واکنش سازمان حمایت

حسین فرهیدزاده، رئیس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، در یک

شرایط فروش



آغاز فروش اقساطی لوکانو LY

در نیمه دوم تیرماه ۱۴۰۴، بخشنامه جدیدی از سوی شرکت لوکانو برای فروش اقساطی خودروی شاسی‌بلند LY به نمایندگی‌های رسمی این برند در سراسر کشور ابلاغ شده است. طبق اطلاعات منتشرشده، این طرح فروش با هدف تسهیل در فرآیند خرید مشتریان و با در نظر گرفتن شرایط متنوع پرداخت، از روز چهارشنبه ۱۸ تیر ماه آغاز شده است. براساس این طرح، قیمت مصوب لوکانو LY برابر با ۲ میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان تعیین شده است. متقاضیان می‌توانند با پرداخت حداقل ۶۰ درصد این مبلغ به عنوان پیش‌پرداخت، از تسهیلات حداکثر ۴۰ درصدی بهره‌مند شوند. این تسهیلات به صورت اقساطی و با نرخ سود سالانه ۲۳ درصد، برای بازه‌های زمانی ۱۲، ۲۴ یا ۳۶ ماهه قابل استفاده است. لوکانو LY در این مرحله از فروش اقساطی، در چهار رنگ مختلف شامل سفید، مشکی، نقره‌ای و سبز عرضه می‌شود. فرآیند تحویل خودرو نیز به صورت روز گاری پس از تأیید نهایی تسهیلات توسط شرکت لیزینگ انجام خواهد شد. در این طرح، برخلاف برخی فروش‌های مشابه، خبری از ارائه سود مشارکت بابت وجه پرداختی نیست و مهلت تحویل نیز بیش از ۳۰ روز نخواهد بود. فرآیند ثبت‌نام برای این طرح از چهارشنبه ۱۸ تیر ماه ۱۴۰۴ آغاز شده و تا زمان تکمیل ظرفیت، ادامه خواهد داشت.

ماشین وارداتی



بی‌وای‌دی چین L به ایران رسید

نخستین محموله خودروی بی‌وای‌دی چین L مدل ۲۰۲۵ هفته گذشته به تهران رسید. این خودرو پیش‌تر با مدل ۲۰۲۴ در نمایشگاه تهران معرفی شده بود. حال یک شرکت خصوصی قصد دارد نسخه ۲۰۲۵ این خودرو را به مشتریان عرضه کند. بی‌وای‌دی چین L یکی از سدان‌های برند چینی بی‌وای‌دی است که طراحی آن در مدل ۲۰۲۵ تفاوت چندانی با نسخه ۲۰۲۴ ندارد، اما حالا لوگوی عقب خودرو قابلیت روشن شدن پیدا کرده است. بخش فنی خودرو نیز تغییر زیادی نکرده، اما امکانات ایمنی و رفاهی آن به شکل قابل‌توجهی بهبود یافته است. مدل ۲۰۲۵ به فناوری پیشرفته‌ای به نام «چشم خدا» مجهز شده که شامل ۱۲ دوربین و ۱۲ رادار اولتراسونیک است. این سیستم باعث افزایش چشمگیر توانایی خودروان خودرو شده است. امکانات ایمنی این خودرو بسیار کامل است و شامل کیسه‌های هوا در بخش‌های مختلف، سیستم‌های هشدار برخورد جلو و عقب، ترمز اضطراری خودکار، رادار نقطه کور، سامانه رانندگی بین خطوط، پارک خودکار و دوربین ۳۶۰ درجه می‌شود. صفحه نمایش دیجیتال پشت فرمان هم بهبود یافته است. بی‌وای‌دی چین L مدل ۲۰۲۵ خودرویی خانوادگی است که گزینه جذابی برای مشتریان بازار ایران به شمار می‌رود.

بازار خودرو

بازار خودرو همچنان بر مدار نزول

بازار خودرو در روز گذشته دوباره شاهد کاهش قیمت برخی خودروها بود. پراید ۵E۱۵۱ مدل ۱۴۰۴ با کاهش ۵ میلیون تومانی، ۴۲۵ میلیون تومان فروخته شد. دنا پلاس EF۷ اتوماتیک توربو با کاهش ۵ میلیون تومانی به یک میلیارد و ۲۲۵ میلیون تومان رسید. دنا پلاس EF۷ پنج‌دنده ساده نیز با کاهش ۵ میلیون تومانی ۹۲۰ میلیون تومان معامله شد.

قیمت خودروهای مونتاژی

ام‌وی‌ام PRO X۲۲ دنده‌ای با کاهش ۱۰ میلیون تومانی یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون تومان تعیین قیمت شد. ام‌وی‌ام X۲۳ کراس دنده‌ای نیز با کاهش ۵ میلیون تومانی یک میلیارد و ۱۹۵ میلیون تومان قیمت خورد.

قیمت خودروهای وارداتی

آواتار۱ (EV۱۴۲۵ کیلووات در سامانه عرضه خودروهای وارداتی ۴ میلیارد و ۱۹۸ میلیون تومان و در بازار آزاد با کاهش ۱۰۰ میلیون تومانی تا ۱۰ میلیارد تومان به ۹ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در بازار آزاد رسید. تویوتا لوین ۱.۲ لیتر توربو در سامانه ۲ میلیارد و ۵۷۵ میلیون تومان و در بازار آزاد با افزایش ۵۰ میلیون تومانی از ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان به ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسید.



دستورالعمل و مصوبات شورای رقابت است. اینکه می‌گویند شورای رقابت افزایش قیمت داده درست نیست بلکه شورای رقابت فقط فرآیند دستورالعمل را ارائه می‌کند و محاسبه قیمت‌ها با سازمان حمایت است.» از سوی دیگر، توکلی می‌گوید: «بازار خودرو به جرأت دومین صنعت بزرگ کشور است که احتیاج به مراقبت و وقت بیشتری دارد و باید دقیق‌تر به مسائل خودرو رسیدگی شود چون صنعت و بازار خودرو، عرصه حساسی است. ماجرا فقط به افزایش ۱۵ درصد قیمت خودرو و اتفاقات اخیر مربوط نیست. در یکی دوسال اخیر عملکرد تنظیم‌گر فنی، عملکردی نبوده که مورد تأیید شورای رقابت باشد و ما فکرمی‌کنیم اگر دستورالعمل‌ها درست و بموقع اجرا

می‌شد، شرایط فعلی خودرو بهتر بود.» وی می‌افزاید: «صحت شورای رقابت این است که دستورالعمل، شرایط و قواعدی را تعیین می‌کند که هرکدام از بازیگرها در این فرآیند یک وظیفه‌ای دارند. مثلاً در مورد سازمان حمایت همیشه از سوی شورای رقابت تأکید کرده‌ایم به دقت و طبق آن زمانی که برایش تعیین شده، اعداد را محاسبه می‌کند و نامه‌نگاری‌ها را انجام می‌دهد و با اینکه یک سازمان تابعه وزارت صمت است با این حال همیشه مورد تأیید و تقدیر شورای رقابت بوده است.»

توکل‌ی ادامه می‌دهد: «چون شورای رقابت یک سری ضوابط و قوانین را در نظر گرفته است و این ضوابط برای اجرا شدن است نه شکسته شدن. اگر این ضوابط به خوبی اجرا

شود به نفع خودروساز، سهامدار و از همه مهم‌تر به نفع مصرف‌کننده است.

اولین سؤال این است چرا تولید خودرو کاهش پیدا کرده است؟ این موضوع ریشه در مسائل مختلف دارد. اگر قیمت‌ها به زمان خودش، بموقع و به سرعت در بازه زمانی مشخص اعلام شود و معطل نشود این زنجیره بهم نمی‌ریزد. این موضوع اصلاً مربوط به این دولت فقط نیست بلکه در دولت قبلی هم شاهد این اتفاق بودیم.» به گفته وی: «در این فرآیند عوامل مکرر و متعددی دخل و تصرف دارد که اجازه نمی‌دهد بازار خودرو به ثبات و آرامش برسد. وقتی چند دوره اعلام قیمت جمع شود و روال طبیعی را طی نکند، یک باره قیمت اعلام می‌شود و این درصد اعمال شده که بعد از گذشت زمان اعلام می‌شود هم بنگاه اقتصادی را راضی نمی‌کند و هم باعث نارضایتی مصرف‌کننده می‌شود.»

موافق افزایش قیمت نیستیم

سخنگوی شورای رقابت در پاسخ به این سؤال که آیا شورا موافق افزایش قیمت بیشتر از این حد محصولات خودروسازان است نیز می‌گوید: «به هیچ عنوان موافق افزایش قیمت نیستیم. ما می‌گوییم اگر دستورالعمل‌ها بموقع و درست اجرا شود شاهد کاهش قیمت هم خواهیم بود. قیمت‌ها که مدت طولانی اعلام نشود، بنگاه اقتصادی ضرر می‌کند، کاهش تولید داریم و عرضه کم می‌شود. کم شدن عرضه، باز موجب افزایش قیمت می‌شود. یعنی یک دور باطل مدام تکرار می‌شود.» سپهر دادجوی توکلی، سخنگوی شورای رقابت می‌گوید: «این زنجیره‌ها باید هرکدام به وظایف خود درست عمل کنند؛ اگر هر کدام از نهادهای داخل این زنجیره درست عمل نکنند کار همه دچار مشکل می‌شود. واقعیت این است که رویکرد شورای رقابت صلح‌جویانه است.»



شورای رقابت:
به هیچ
عنوان موافق
افزایش
قیمت
نیستیم. ما
می‌گوییم اگر
دستورالعمل‌ها
به موقع و
درست اجرا
شود شاهد
کاهش قیمت
هم خواهیم
بود

سرانجام یک برند گران قیمت

کانسپت Bentley EXP 15 نوید آینده‌ای باشکوه و الکتریکی برای این برند را می‌دهد



لوکس‌تر از همیشه خواهد بود.

اسب بخار، به چالش‌های آینده پاسخ می‌دهد. جلوپنجره شش ضلعی نورانی و چراغ‌های LED عمودی به این خودرو حالتی روباتیک و مدرن بخشیده‌اند. در حقیقت، دوران الکتریکی بنتلی نه تنها ساکت و آرام، بلکه سریع‌تر، قدرتمندتر و

سبک‌های سنتی بدنه است. این خودرو با ارتفاع بیشتر و خط سقف شیب‌دار، به نوعی ادای احترامی به اسطوره‌های مسابقه‌ای بنتلی در دهه ۱۹۳۰، یعنی قطار آبی Speed Six، دارد. در عین حال، با پیش‌بینی قوای محرکه‌ای با قدرت ۱۴۰۰

به فضای داخلی می‌بخشد.

طراحی داخلی لوکس

داخل کابین، «EXP 15» با طراحی خیره‌کننده‌اش مخاطبان را مجذوب خود می‌کند. داشبورد شیشه‌ای بزرگ به عنوان صفحه نمایشی هوشمند عمل کرده و کنترل‌های طلایی و برجسته روی کنسول مرکزی و فرمان، حس لوکس و مدرنیته را به فضای داخلی می‌بخشد.

شکل و ساختار خاص

شکل «EXP 15» به گونه‌ای طراحی شده که کمی غیرمعمول و متفاوت از

الکتریکی تولید انبوه خود اعلام کرده، بشدت قابل توجه و هیجان‌انگیز است. کابین این خودرو با طراحی نامتقارن درها و سه صندلی، فضای منحصر به فرد ایجاد کرده است. صندلی عقب سمت چپ قابلیت چرخش ۴۵ درجه برای سهولت ورود و خروج را دارد و همچنین می‌تواند به جلو و عقب حرکت کند. فضای اضافی در این کابین می‌تواند برای حمل وسایل شخصی یا حتی حیوانات خانگی مورد استفاده قرار گیرد.

تجربه‌ای لوکس در فضای باز

صندوق عقب این خودرو به یک فضای پیک‌نیک شیک تبدیل می‌شود؛ جایی که دو کوسن کوچک به عنوان صندلی عمل می‌کنند و یخچالی برای نگهداری نوشیدنی و مواد غذایی فراهم شده است. رنگ «Pallas Gold» به کار رفته در این خودرو با پیگمنت آلومینیومی فوق‌العاده نازک طراحی شده که به رادارها اجازه می‌دهد بدون تداخل در کیفیت سیگنال، از طریق آن عبور کنند.

بنتلی به روشنی اعلام کرده است که کانسپت «EXP 15» به همین شکل وارد خط تولید نخواهد شد. این خودرو در واقع یک طرح مطالعاتی و بال‌آزمایشی برای سنجش واکنش مخاطبان به زبان طراحی جدید و فرم فست بک است. با این حال، بسیاری از عناصر طراحی آن، نقشه راه آینده محصولات بنتلی خواهند بود. انتظار می‌رود المان‌هایی مانند طراحی نورپردازی لوژی شکل، گلگیرهای پهن و عضلانی عقب، چراغ‌های بال شکل و داشبورد فناورانه، در اولین خودروی الکتریکی بنتلی که سال آینده رونمایی خواهد شد، به کار گرفته شوند.



کانسپت
«EXP ۱۵» با
طراحی سده‌ر،
ابعاد بزرگ
و جزئیات
بی‌نظیر،
به وضوح
نویدبخش
تحویلی شگرف
در دنیای
خودروهای
لوکس است

بازگشت سمند با چهره سورن پلاس

پیشنهاد خودرو

سمند، خودرویی بود که در اوایل دهه ۱۳۸۰ به عنوان گزینه‌ای برای جایگزینی پیکان وارد بازار شد. هرچند هیچ‌وقت به طور کامل جای پیکان را نگرفت، اما در طول سال‌ها با تغییرات مختلف، به مدل‌هایی مثل سورن و

بعدتر دنا رسید.

در سال ۱۳۸۵، نسخه‌ای با ظاهر متفاوت‌تر از سمند با نام «سورن» معرفی شد. طراحی آن در زمان خودش چشمگیر بود و توانست تا حدی چهره قدیمی سمند را تازه کند. با گذشت زمان، در سال ۱۳۹۹ مدل جدیدتری از آن با نام «سورن پلاس» به بازار آمد. این خودرو با وجود برخی تغییرات ظاهری، همچنان برای بسیاری یادآور همان سمند قدیمی است. در نمای بیرونی، جلوپنجره مشکی براق و چراغ‌هایی با طراحی ساده اما قابل قبول دیده می‌شود. گرافیک داخلی چراغ‌ها کمی تغییر کرده و

نوار LED آن به پایین منتقل شده است. طراحی کلی اما تفاوت زیادی با سورن اولیه ندارد. داخل کابین نیز تغییرات زیادی دیده نمی‌شود. طراحی داشبورد ساده‌وتا حدی برگرفته از مدل‌های پژو است. البته در سال ۱۴۰۱ نمایشگر لمسی و دوربین عقب به آن اضافه شد که فضای داخلی را کمی مدرن‌تر کرده است. سورن پلاس EF7 از یک موتور ۱.۷ لیتری با قدرت ۱۱۳ اسب بخار استفاده می‌کند. شتاب صفر تا صد آن حدود ۱۲ ثانیه است که برای استفاده روزمره مناسب است. مصرف سوخت هم حدود ۷.۳ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر اعلام شده است. این خودرو گیربکس دستی دارد که هماهنگی خوبی با موتور دارد و تجربه رانندگی نسبتاً نرمی را فراهم می‌کند.

در حال حاضر سمند سورن پلاس EF7 بنزینی در کارخانه ۶۴۴ میلیون تومان و در بازار آزاد ۹۰۰ میلیون تومان خرید و فروش می‌شود.





مدیر دبیرخانه ستاد ملی مدیریت پدیده گرد و غبار از چرایی خاکستری شدن آسمان تهران و البرز گفت

هشدارها شنیده نشد؛ تالاب کانون گردو غبار شد

گفت و گو

زهرآکسوری

دبیر گروه زیست بوم

در روزهایی که گرد و غبار نفس تهران و چندین شهر مرکزی کشور را گرفته، منشأ بحران نه در خارج از مرزها، بلکه در بی تدبیری نسبت به یک تالاب داخلی نهفته است؛ تالاب صالحیه. در گفت‌وگویی تفصیلی، بهزاد رایگانی، مدیر دبیرخانه ستاد

اخیراً آسمان تهران و چند شهر دیگر درگیر پدیده گرد و غبار شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که منبع این آلودگی، تالاب صالحیه واقع در حدفاصل کرج و قزوین بوده است. لطفاً درباره سابقه و وضعیت کنونی این تالاب توضیح دهید و بفرمایید که چه برنامه‌هایی برای مقابله با این وضعیت تدوین شده‌اند؟

بله، تالاب صالحیه یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری گرد و غبار اخیر بوده است. برای درک بهتر این بحران، ابتدا باید به سابقه این منطقه اشاره کنم. در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، این منطقه (کانون گرد و غبار) یک ناحیه مرطوب محسوب می‌شد. سطح آب زیرزمینی بالا بود و پوشش گیاهی نسبتاً مناسبی، بویژه گونه‌های مقاوم به شوری،

ملی سیاست‌گذاری و هماهنگی مدیریت پدیده گرد و غبار، با تشریح دلایل اصلی شکل‌گیری کانون گرد و غبار در منطقه صالحیه، از اجرای نادرست زهکش‌ها تا کاهش سطح آب زیرزمینی و چرای بی‌رویه دام، تأکید می‌کند که همه هشدارها، راهکارها و حتی برنامه‌های اقدام از مدت‌ها پیش در اختیار دستگاه‌ها قرار گرفته، اما فقدان اراده مدیریتی، بی‌توجهی به آینده‌نگری و عدم اجرای مصوبات، باعث شد امروز بحران به شکل فیزیکی و محسوس خود را نشان دهد. رایگانی در این گفت‌وگو از پشت‌صحنه تصمیم‌گیری‌ها، موانع قانونی و ضعف اجرای سیاست‌های محیط زیستی گفت و مدعی شد که وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو مصوبات مربوط به منطقه تالاب صالحیه را اجرایی نکرده‌اند. روزنامه ایران آمادگی دارد توضیحات احتمالی این دو وزارتخانه را منتشر کند.

و این اقدام چه تبعاتی به همراه داشت؟

اجرای این زهکش، علی‌رغم اهداف اولیه، پیامدهای اکولوژیکی گسترده‌ای به‌دنبال داشت. اول اینکه این زهکش دقیقاً در مسیر پخش طبیعی سیلاب‌ها ایجاد شد و همین مسأله باعث قطع جریان‌های هیدرولوژیکی فصلی شد؛ جریان‌هایی که تا پیش از آن باعث تغذیه آبخوان‌ها و آبیاری طبیعی منطقه و دشت می‌شدند. دوم اینکه خود زهکش باعث تخلیه آب زیرزمینی و افت شدید سطح آن شد. طبق بررسی‌ها، تراز آب زیرزمینی در آن منطقه حدود ۱.۲ متر کاهش یافته است. از سوی دیگر، در همان بازه زمانی، چرای شتر به‌طور بی‌رویه در منطقه شدت گرفت. گونه‌های گیاهی باقی‌مانده، که عمدتاً بوته‌ای بودند،

آبادر سال‌های اخیر مطالعاتی برای مقابله با این بحران صورت گرفته است؟

بله، دبیرخانه ستاد ملی مقابله با گرد و غبار طی سه سال گذشته مطالعات جامعی انجام داده است. در

این مطالعات، منشأ دقیق گرد و غبار، سازوکارهای تأثیرگذار از جمله نقش زهکش‌ها، چرای بی‌رویه و حتی ساختار جریان باد بررسی و تحلیل شده‌اند. مشخص شده که یکی از اقدامات کلیدی برای احیای این منطقه، با حذف کامل کانال زهکشی با اصلاح مهندسی آن توسط وزارت جهاد کشاورزی است. حتی نقشه‌های مهندسی لازم برای اجرای زیرگذر یا روگذر برای عبور آب (در صورتی که کانال حذف نشود) و نیز کانال‌کشی‌های مکمل طراحی شده است.

همچنین وظایف دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو و سازمان منابع طبیعی مشخص و به آنها ابلاغ شده است. برای مثال، جهاد کشاورزی باید نسبت به اصلاح منابع طبیعی مسئولیت مدیریت چرای دام را بر عهده دارد و وزارت نیرو موظف است حقایبه تالاب‌ها را تأمین کند. می‌خواهم بگویم که ما هم مسأله را به‌خوبی می‌شناسیم و هم راهکارهای آن را می‌دانیم، اما متأسفانه اقداماتی که باید انجام می‌شد، صورت نگرفته است و خشکسالی نیز این مسأله را تشدید کرده است. کشور ما از پنج سال پیش دچار خشکسالی شده و امسال این خشکسالی در شدیدترین حالت خود قرار دارد؛ یعنی امسال با محدودیت‌های طبیعی جدی مواجهیم. همچنین جریان‌های بادی که پیش‌تر کمتر مشاهده می‌شد، اکنون در بخش شمالی ایران شکل گرفته‌اند و وزش باد را افزایش داده‌اند. به عبارت دیگر، هم خشکسالی داریم، هم فرسایش خاک، و هم زمان سرعت جریان‌های بادی افزایش یافته که فرسایش خاک را تشدید کرده است.

چه زمانی تکلیف دستگاه‌هایی مثل وزارت نیرو و جهاد کشاورزی درباره تالاب صالحیه ابلاغ شده است؟

متأسفانه مشکلی که در کشور ما وجود دارد، این است که تا یک مسأله به مرحله بحران نرسد، واکنشی جدی نسبت به آن نشان داده نمی‌شود. برنامه‌هایی که تدوین شده بودند، بیش از یک سال است که به دستگاه‌ها ابلاغ شده‌اند، اما در دوره‌ای که وضعیت بارش نسبتاً مناسب بود و گرد و غبار محسوس نبود، دستگاه‌ها یا موضوع را نادیده گرفتند یا آن را در اولویت قرار ندادند. الان که دچار مشکل شدیم، همه دستگاه‌ها به تکاپو افتاده‌اند که باید چه کار کرد! در صورتی که در دل بحران نمی‌شود بلافاصله اقدام کرد. باید در شرایطی که وضعیت مناسب است، برای چنین روزی برنامه‌ریزی کرد.

آیا برنامه‌های ابلاغ‌شده ضمانت اجرایی دارند؟

ببینید، معدویت‌هایی وجود دارد. مثلاً اگر من از وزارت نیرو بخواهم که آبی

را که برای زمین‌های کشاورزی منتقل کرده و عدم تخصیص آن باعث نارضایتی کشاورزان و ایجاد مسائل حاشیه‌ای می‌شود، به منطقه‌ای بیابانی که حالت شوره‌زار دارد اختصاص دهد، طبیعتاً این موضوع در زمانی که بحران حاد نیست، اولویت‌بندی می‌شود و گفته می‌شود: «الان که مشکلی نداریم، بهتر است آب به مناطقی منتقل شود که بیشتر نیاز دارند.»

تکالیف به دستگاه‌ها اعلام شده و آنها موظف هستند گزارش‌های اقدامات خود را به‌صورت سه‌ماهه، شش‌ماهه و سالیانه به دبیرخانه ارسال کنند تا ما بتوانیم نظارت داشته و مطابق آنها پیگیری‌های لازم را انجام دهیم. این فرآیند در دبیرخانه به‌صورت مستمر انجام شده است؛ برنامه‌ها و تکالیف مشخص شده و خواسته شده، اما اقدامات لازم که باید انجام می‌شد، تاکنون انجام نگرفته است.

از سوی دیگر، برخی دستگاه‌ها حتی با تحلیل‌های علمی انجام‌شده موافق نیستند. برای مثال، جهاد کشاورزی هنوز هم نمی‌پذیرد که این زهکش نقشی جدی در بیابانی شدن منطقه داشته است. آنها این زهکش را صرفاً برای تخلیه آب اضافی زمین‌های کشاورزی می‌دانند، در حالی که ما شواهد علمی داریم که نشان می‌دهد این زهکش هم باعث افت سطح آب زیرزمینی شده و هم جریان‌های سطحی سیلابی را قطع کرده است. همچنین بعضی از اقدامات، بسیار هزینه‌بر هستند؛ یعنی پرکردن کانالی که بیش از ۳۰ کیلومتر طول دارد، عملیات عمرانی بسیار بزرگی می‌خواهد. برای این پروژه باید بودجه دیده شود. بنابراین، صرف مصوب کردن یک برنامه و گفتن «باید انجام شود» به نتیجه نمی‌رسد؛ مگر اینکه مسئولان هم‌رازی و هم‌نظر باشند و از قبل برنامه‌ریزی کرده باشند. چون بدون برنامه نمی‌شود کانالی به این وسعت را از بین برد. باید برنامه‌ریزی کنند، بودجه اختصاص دهند و حل آن را در اولویت قرار دهند.

شمار مطالعات کارشناسی، راهکار حذف کانال را به وزارت جهاد کشاورزی ارائه داده‌اید؛ چرا این نظرات کارشناسی پذیرفته نشد؟

تمام نظرات کارشناسی در جلسات مربوطه ارائه شده‌اند، اما تا زمانی که مسئولان ذی‌ربط به این باور نرسند که این راهکار مؤثر است یا کارشناسان مشاور آنها به اشتباه بودن رویکرد پیشین اذعان نکنند، چنین مصوبه‌ای در اولویت اجرایی آن دستگاه قرار نمی‌گیرد.

یعنی در واقع، برنامه‌های اعلام‌شده توسط دبیرخانه، ضمانت اجرایی ندارد؛ فقط یک توصیه است. وزارت نیرو می‌گوید من آن ندارم، جهاد کشاورزی هم می‌گوید اقدامات من درست بوده است!

می‌توانیم به‌صورت کلی چنین چیزی را بگوییم. بویژه باید تأکید کنم در زمان‌هایی که خشکسالی به‌شکلی نیست که با پدیده گرد و غبار روبه‌رو شویم، رویدادهای گرد و غبار معمولاً هر چند سال یک‌بار در کشور بحرانی می‌شود. ما این جلسات، مصوبات و تکالیف را سال گذشته داشتیم. در آن زمان اصلاً این ایده با هیچ استدلالی پذیرفته نمی‌شد. وقتی شرایط مثل الان پیش می‌آید و همه در گرد و غبار غرق می‌شوند، تازه می‌پرسند حالا برنامه کجاست؟ در حالی که هم مسأله شناخته شده و هم راهکار توسط بهترین کارشناسان ارائه شده است. حتی برنامه اقدام از قبل وجود داشته و مصوب شده است.

قیلاًغلی سلاحه، رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست، خواستار ایجاد یک کمیته برای حل بحران صالحیه شده بود. آیا آن کمیته شکل گرفت؟

بله. ما در دبیرخانه ستاد، کارگروه‌های متعددی از جمله «کارگروه تخصصی ملی مقابله با گرد و غبار» تشکیل داده‌ایم که مدیران کل ۱۵ دستگاه در آن عضویت دارند. مستندات و گزارش‌ها در این جلسات ارائه می‌شود. سازمان محیط زیست نیز نقش نظارتی ایفا می‌کند و در صورت عدم اجرای مصوبات، موضوع را به مراجع بالاتر از جمله بازرسی و تحقیق و تقحص مجلس اعلام می‌کند. مثلاً در این موضوع، سازمان منابع طبیعی همراه است اما جهاد کشاورزی به تکالیف نقد دارد.

ضمانتی که بتواند بودجه مورد نیاز را از دستگاه‌ها و یا دولت برای حل مسأله صالحیه تأمین کند، در برنامه‌ها چگونه دیده می‌شود؟

سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان ناظر است. وقتی مصوبه تصویب می‌شود، سازمان محیط زیست بارها اجرای آن را پیگیری می‌کند، به دستگاه‌ها نامه‌نگاری می‌کند و از آنها می‌خواهد مستندات را ارسال کنند. وقتی کار توسط دستگاه‌ها انجام نمی‌شود، به بازرسی گزارش داده می‌شود. موضوع به تحقیق و تقص مجلس می‌رسد. آنها ورود می‌کنند. مجلس از دستگاه‌ها می‌خواهد تا مستندات خود را ارائه کنند. می‌خواهم بگویم که ساختار تصمیم‌گیری و نظارت مشکلی ندارد، اما آنچه ما آن مواجهیم، نبود اراده مدیریتی برای اجراء است. زمانی که مدیران کل دستگاه‌ها اراده نکنند و اجرای مصوبات را در اولویت قرار ندهند، اتفاقی نمی‌افتد. با ارسال، وقتی گرد و غبار محسوس نبود، کسی اجرای برنامه‌ها را جدی نگرفت. مسئولان به این نتیجه رسیدند که الان زمان اجرا نیست یا بودجه لازم را ندارند. اما امسال که شرایط بحرانی است، همه می‌پرسند برنامه‌ها کجا هستند؟ در حالی که باید آن اقدامات، سال گذشته انجام می‌شد.

استان البرز نیز در خصوص وضعیت تالاب صالحیه با اشاره به اینکه بحث حفاظت از تالاب صالحیه فرااستانی و در سطح ملی باید پیگیری شود، به «ایران» می‌گوید: «با احداث سد در استان‌های بالادست، حجم آبی که به این تالاب می‌رسد کاهش یافته و این امر موجب تشدید بیابان‌زایی و ریزگردها شده است.» اصغر بیات به ضرورت احیای تالاب صالحیه در حوزه استان البرز اشاره می‌کند و می‌افزاید: «اقدامات لازم چه در محدوده البرز باشد یا قزوین باید انجام شود، چراکه اثرات منفی ریزگردها در هر دو محدوده جریان‌گیر استان البرز و تهران خواهد بود و بادهایی که از غرب به شرق می‌وزد، ریزگردها را به سمت البرز و تهران هدایت می‌کند.»

مدیرکل منابع طبیعی استان البرز با اشاره به اقدامات شاخص در محدوده تالاب صالحیه استان البرز خاطرنشان می‌کند: «تا حدودی مدیریت و کنترل دام‌های سرگردان را در این محدوده انجام داده‌ایم. در واقع، از پروژه‌های اصلی ما حفاظت و قرق منطقه بود و در این عرصه به‌طور شفافانه‌روزی از ورود دام‌ها به منطقه تالاب جلوگیری شده است.» بیات می‌گوید: «لازم است برای احیای تالاب صالحیه حقوق عرفی دامدارانی که در آن منطقه حق بهره‌برداری دارند با برنامه‌ریزی‌ها و انتقال سند انجم و این حقوق عرفی پرداخت شود تا از ورود دام‌ها برای حفاظت قرق جلوگیری به عمل آید.»

از شرق تهران یعنی تا جاده دماوند تحت تأثیر گردوغبار تالاب صالحیه است و نشان‌دهنده این موضوع است که آسیب‌های این تالاب فراتر از البرز و تهران است.» وی با بیان اینکه در شرایط اقلیمی کنونی می‌توان با افزایش سهمیه آب، تالاب صالحیه را از مرگ حتمی نجات داد، می‌گوید: «علاوه بر بحث زهکشی، شاهد چرای بی‌رویه شترها از استان‌های دیگر هم در این تالاب هستیم که بیش از ظرفیت قابل تحمل محیط، در آن چرا می‌شود.» او یادآوری می‌کند: «سند تالاب صالحیه برای محیط‌زیست بر اساس قانون است؛ بنابراین بزودی تکلیف دستگاه‌ها برای احیای این تالاب مشخص می‌شود و با همکاری همه دستگاه‌ها از جمله جهاد کشاورزی و ذی‌نفعان محلی بخش‌های زیادی از این تالاب احیا خواهد شد.»

محمدپور می‌گوید: «با همراهی وزارت نیرو، مردم محلی و مطالعات دانشگاهی برنامه اجرایی خود را در سال‌جاری آغاز می‌کنیم.» وی اضافه می‌کند: «در مطالعات دیده شده اگر مجموعه عوامل وزارت جهاد کشاورزی، شرکت‌های آب منطقه‌ای و آبفا پای کار نیایند و تخصیص حقایبه نباشد، توفیقی نخواهیم داشت.» محمدپور می‌گوید: «با هم‌افزایی با استان همسایه که توسط حفاظت محیط زیست انجام می‌شود، بسترها برای اقدامات مؤثر در تالاب فراهم شده است.»

احیای تالاب صالحیه، نیازمند نگاه فرااستانی

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری



عرض ۱۰ متر و عمق ۴ متر احداث و به حاتالی بین دشت‌های استان البرز و قزوین تبدیل شد. شوربختانه، فرسایش خاک در طول ۱۵ سال گذشته مشکلات فراوانی در محدوده تالاب صالحیه به وجود آورده و طبق آخرین مطالعات، نیمی از این محدوده که حدود بیش از ۲۰ هزار هکتار است، تبدیل به کانون ریزگرد فعال شده است.

تعیین حقایبه ۶۰ میلیون مترمکعبی

به استناد بند ۲ قانون تالاب‌ها، تعیین حقایبه و طرح مطالعاتی آن باید انجام شود. طرح مطالعاتی به صورت یکپارچه

گزارش

نوشین طهماسبی

گروه زیست بوم

کشاورزی و وزارت نیرو می‌داند. وسعت کل حوضه آبریز تالاب صالحیه بیش از ۴۸ هزار هکتار است و این محدوده شامل ارتفاعات هشتگرد، نظرآباد، آتیک، آوج، قزوین، ابهر و قیدار در استان زنجان است.

خشکسالی، آب تالاب را بلعید

آغاز سال‌های کم‌بارش و خشکسالی که از سال ۱۴۰۰ شدت گرفت، اندوخته سال‌های پربابی تالاب صالحیه را به آسمان برد و زمین بی‌حاصل و ترک‌خورده را بر جای گذاشت. این روزها خبری از پروبال زدن پرندگان مهاجر تالاب نیست. شتران سرگردان و غیرمجاز که در نبود خوان گیاهی، تنها به بوته‌های خشک بیابان رسیده‌اند، با لگدمال کردن و شخم زدن شن‌های این بیابان بی‌آب و علف، دلپلی مضاعف برای به رخ کشیدن خشکیدن این عرصه آبی شده‌اند.

احداث زهکش و آغاز مرگ تالاب صالحیه

احداث زهکش قزوین از سوی اداره جهاد کشاورزی این استان با هدف آبیاری کشاورزی در دهه ۸۰، آغازی برای نابودی تالاب صالحیه به شمار می‌رود. آن زمان سازمان حفاظت محیط‌زیست این اقدام را خطرناک دانست، اما توجهی به این هشدار نشد و در نهایت زهکش قزوین به طول ۵۰ کیلومتر،

گردوغبار تالاب صالحیه شب تهران را بنفش کرد و نفس کشیدن را برای بسیاری از شهروندان این کلانشهر سخت کرد. اما مطالعات انجام‌شده توسط دانشگاه تهران و مرکز پژوهش‌های مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نشان می‌دهد که تأثیر منفی این گردوغبار به تهران محدود نخواهد بود و کارشناسان این گردوغبار را تا جاده دماوند ردیابی کرده‌اند. تأثیر خشکیدی این تالاب روی شهرهای اطراف آنقدر زیاد است که با ورود رئیس‌جمهوری در دولت سیزدهم به ماجرا منجر به تشکیل یک کمیته شد، اما این کمیته هم نتوانست جلولی بلند شدن گردوغبار تالاب را بگیرد.

زهر عبادتی، رئیس اداره کل حفاظت محیط‌زیست شهر تهران پیش‌تر هشدار داده بود که احتمالاً تهرانی‌ها تابستان‌ها را با گردوغبار این تالاب به پایان خواهند برد. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست البرز در گفت‌وگو با «ایران» راهکار حفظ تالاب صالحیه و نجات شهروندان این شهرها را پرداخت حقایبه تالاب و همکاری وزارت جهاد

پنل های خورشیدی در تیررس هکرها

مهاجمان سایبری می توانند یک شهر را خاموش کنند



فناوری

آرزو کیهان

گروه علم و فناوری

در عصر انرژی‌های تجدیدپذیر، میزان نصب پنل‌های خورشیدی بر پشت بام خانه‌ها افزایش یافته و آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۳۰، حدود ۱۰۰ میلیون خنوار در سراسر جهان برای تأمین انرژی خود به این پنل‌های خورشیدی وابسته خواهند بود؛ این رقم، در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۲۵ میلیون خانوار بود. اما مشکل اینجاست که یک خطر بزرگ، این ظرفیت گسترده را تهدید می‌کند و آن هم حمله مهاجمان سایبری است که هوش مصنوعی کشور را در خاموشی مطلق فرو برد.

افزایش حملات سایبری به زیرساخت‌های انرژی

«سید چاو» پژوهشگر سازمان تحقیقات علمی و صنعتی استرالیا



کشف مرکز تجاری

۳۵۰۰ ساله در پرو

باستان‌شناسی

برسام جنتی

گروه علم و فناوری



باستان‌شناسان پس از ۸ سال تحقیق، از کشف ۱۸ سازه شامل معابد آیینی و مجموعه‌های مسکونی و یک مرکز تجاری ۳ هزار و نصد ساله در پرو خبر دادند که جواهرات و مجسمه‌های زیادی در آن پیدا شده است.

این شهر با نام «پنیکو» (Peñico)، به‌عنوان یک مرکز تجاری کلیدی شناخته می‌شود که جوامع اولیه سواحل اقیانوس آرام را به مردمانی که در رشته‌کوه‌های آند و حوضه آبریز آمازون زندگی می‌کردند، متصل می‌کرد.

پژوهشگران معتقدند این کشف، اطلاعات تازه‌ای درباره سرنوشت کهن‌ترین تمدن قاره آمریکا یعنی «کارال» با قدمتی حدود ۵ هزار سال در اختیار آنها گذاشته است.

تمدن «کارال» واقع در دره‌ای نزدیک به پنیکو، دارای ۳۲ بنای مهم از جمله سازه‌های هرمی بزرگ، کشاورزی آبیاری شده پیشرفته و سکونتگاه‌های شهری بوده و باستان‌شناسان بر این باورند که این تمدن مستقل از دیگر تمدن‌های اولیه مانند هند، مصر، سومرو چین و در انزوا تشکیل شده و ادامه حیات داده است. تصاویر هوایی منتشر شده از این سایت، یک سازه دایره‌ای شکل در یک تراس روی دامنه یک تپه را در مرکز شهر نشان می‌دهد که بقایای ساختمان‌های سنگی و گلی در اطراف آن دیده می‌شود.

باستان‌شناسان در ساختمان‌های این محوطه، اشیای آیینی، مجسمه‌های سفالی از انسان و حیوان و جواهرات و گردنبندهایی ساخته شده از مهره‌ها و صدف‌های دریایی کشف کردند.

دکتر «روت شیدی»، رهبر گروه باستان‌شناسی در حال تحقیق در پنیکو، در این باره می‌گوید: «این کشف برای درک آنچه که پس از تغییرات اقلیمی بر سر تمدن کارال آمده است، اهمیت دارد.» باستان‌شناسان معتقدند این شهر «یک مرکز ادغام اجتماعی» بوده و نقش مهمی در حیات «کارال»، اولین تمدن آمریکای جنوبی و تجارت میان کوهستان و دریا داشته است.

روند پیری را سبک زندگی مشخص می‌کند

علم

رها منفرد

گروه علم و فناوری

سالهاست که دانشمندان به دنبال کشف راز روند پیری در انسان و دستیابی به اکسیر جوانی هستند و با اینکه کارشناسان پیش از این، التهاب را بخش طبیعی از روند پیری می‌دانستند اما تازه‌ترین تحقیق نشان می‌دهد روند پیری انسان بیشتر بر رژیم غذایی، سبک و محیط زندگی آنها بستگی دارد و التهاب مزمن «inflammaging» نمی‌تواند در تسریع روند پیری نقشی پررنگ ایفا کند.

پژوهشگران مدت‌ها بر این باور بودند که التهاب مزمن با تسریع روند پیری، منجر به بروز انواع بیماری‌ها از جمله آلزایمر، آرتریت، سرطان، بیماری قلبی و دیابت نوع ۲ می‌شود. اما مطالعه منتشر شده در مجله Nature Age، نشان داد که مردم در مناطق غیر صنعتی به شکلی متفاوت از شهرنشینان، التهاب را تجربه می‌کنند و عامل دیگری پشت این تفاوت وجود دارد. محققان زندگی دو جمعیت بومی از بولیوی و مالزی را با دو گروه از شهرنشینان ایتالیا و سنگاپور مقایسه کردند. آنها نمونه‌های خون حدود ۲ هزار و ۸۰۰ فرد بالغ بین ۱۸ تا ۹۵ سال را در این چهار گروه بررسی کردند. نتایج نشان داد که التهاب مزمن می‌تواند به طور مشخص به روند پیری مرتبط نباشد، بلکه رژیم غذایی، سبک زندگی و عوامل محیطی نقشی بسیار مهم‌تر از آنچه قبلاً تصور می‌شد در این روند ایفا می‌کنند. این مطالعه همچنین نشان داد که در جمعیت‌های غیر صنعتی، میزان التهاب با افزایش سن افزایش نیافته است. «آلن کوهن»، دانشیار علوم سلامت محیطی در دانشگاه کلمبیا و یکی از نویسندگان این مطالعه، گفت: «افته‌ها نشان می‌دهند علل التهاب سلولی بسیار پیچیده‌تر از چیزی است که تاکنون درک کرده‌ایم. روند پیری به عوامل متفاوتی چون محیط زندگی، میزان آلودگی هوا، سبک زندگی و رژیم غذایی بستگی دارد.»



ورود «بی‌ام‌و»

به دنیای اسکوترهای برقی



حمل و نقل

جذاب‌تری دارد و با رنگ آبی متالیک، جزئیات زرد ساونوپائولو، شیشه جلوی زرد، صندلی مشکی و اکسسترهای دوخت زرد و سفید و همچنین چرخ عقب حکاکی‌شده با لیزر ارائه می‌شود. در نهایت، نسخه اکسکلسیو با رنگ نقره‌ای متالیک، شیشه جلوی بزرگ‌تر، صندلی و دسته‌گرم‌کن و تودوزی خاص و لوکس عرضه می‌شود. این اسکوتر برقی دارای باتری ۸/۹ کیلووات‌ساعتی است که موتور الکتریکی ۴۲ اسب‌بخاری آن را تغذیه می‌کند هرچند نسخه‌ای با قدرت ۳۱ اسب‌بخار نیز موجود است. این اسکوتر با یک بار شارژ، حدود ۱۳۰ کیلومتر را طی می‌کند و برای رسیدن به شتاب از صفر به ۵۰ کیلومتر بر ساعت، تنها ۲٫۶ ثانیه زمان نیاز دارد.

شارژ این اسکوتر با پریز خانگی معمولی، حدود ۴ ساعت و ۲۰ دقیقه طول می‌کشد اما با شارژر ۶٫۹ کیلوواتی، شارژ کامل در یک ساعت و ۴۰ دقیقه انجام می‌شود. علاوه بر این، همه مدل‌های این محصول، امکان سفارش با سیستم کنترل کشش دینامیکی و سیستم کنترل پایداری خودکار بی‌ام‌و موتوررادر دارند. همچنین این اسکوتر مجهز به سه حالت رانندگی، ترمز ضد قفل، چراغ‌های LED و نمایشگر بزرگ ۱۰٫۲۵ اینچی است.

آینده‌نگرانه شبیه فیلم‌های علمی‌تخیلی رونمایی شد و از همان ابتدا متفاوت بودن آن کاملاً مشخص بود. حالا در مدل ۲۰۲۵ این اسکوتر، با وجود دست‌نخورده ماندن طراحی آن، چند به‌روزرسانی جزئی و جذاب اضافه شده است.

مدل ۲۰۲۵ این اسکوتر در سه نسخه بیسیک، آوانگارد و اکسکلسیو عرضه می‌شود که نسخه بیسیک با رنگ سفید روشن، صندلی مشکی-خاکستری و شیشه جلوی شفاف عرضه می‌شود. نسخه آوانگارد اما ظاهر اسپرت‌تر و



آیفون 17e

بهار ۲۰۲۶ از راه می‌رسد

موبایل

به نظر می‌رسد اپل قصد دارد مدل اقتصادی آیفون 17e را در فصل بهار ۲۰۲۶ روانه بازار کند. این زمان‌بندی با پیش‌بینی‌های پیشین همخوانی دارد که عرضه این مدل را حدود یک سال پس از رونمایی آیفون 16e عنوان کرده بودند. گفته می‌شود آیفون 17e از نظر طراحی و سخت‌افزار تغییرات چشمگیری نسبت به نسل پیشین ندارد و همچنان به نمایشگر OLED با اندازه ۶٫۱ اینچ مجهز خواهد بود؛ پنلی که نخستین‌بار با آیفون ۱۴ معرفی شد و سپس در مدل 16e با تغییرات اندکی مورد استفاده قرار گرفت.

تأمین این نمایشگر برعهده سه شرکت بزرگ سامسونگ، ال جی و BOE خواهد بود و طبق گزارش‌ها، BOE سهم اصلی تولید انبوه را برعهده خواهد داشت.

اپل با این رویکرد تلاش دارد هزینه‌های تولید را کاهش دهد و از خطوط تولید پایدار و قطعات ارزان‌تر بهره‌برد؛ استراتژی‌ای که آیفون‌های سری e را به گزینه‌ای اقتصادی در سبد محصولات این شرکت تبدیل کرده است.

گزارش‌ها حاکی است اپل احتمالاً عرضه این مدل را عمداً محدود خواهد کرد تا فروش مدل‌های پرچمدار آیفون که هر سال پاییز معرفی می‌شوند، تحت تأثیر قرار نگیرد. پیش‌بینی می‌شود تولید آیفون 17e به حدود ۲۰ میلیون دستگاه محدود شود؛ رقمی که مشابه تولید مدل‌های اقتصادی پیشین از جمله آیفون 16e و آیفون SE است.

در مجموع، آیفون 17e قرار است با مشخصات آشنا و قیمتی رقابتی، بهار ۲۰۲۶ وارد بازار شود و استراتژی اپل برای عرضه سالانه مدل‌های مقرون‌به‌صرفه سری e را تثبیت کند.



حوزه فاوا

■ محمدامین آقامیری، رئیس مرکز ملی فضای مجازی گفت: «سند حکمرانی داده در کمیسیون‌های مربوطه جمع‌بندی شده و در صف دستور کار شورای عالی فضای مجازی قرار دارد که پس از تصویب ابلاغ می‌شود.» وی افزود: «داده‌ها موتور محرکه توسعه هوش مصنوعی هستند. سخت‌گیری بیش از حد در حوزه داده‌ها، روند توسعه هوش مصنوعی را متوقف می‌کند و با سهل‌گیری هم حریم خصوصی مردم دچار آسیب خواهد شد.»

■ محمدرضا کاشفی نیشابوری، معاون توسعه مدیریت و جذب سرمایه معاونت علمی، اعلام کرد: این معاونت و صندوق نوآوری و شکوفایی، دو بسته حمایتی جدید برای شرکت‌های دانش‌بنیان آسیب‌دیده از جنگ تجملی ۱۲ روزه، طراحی کرده‌اند و در مجموع ۲ هزار میلیارد تومان به این شرکت‌ها اختصاص خواهد یافت. این حمایت مالی به شرکت‌هایی تعلق می‌گیرد که متحمل آسیب‌های زیرساختی، از بین رفتن مواد اولیه و محصولات آماده یا نیمه‌آماده، کاهش شدید فروش، مشکل در پرداخت حقوق نیروی انسانی و خسارت‌های دیگر شده باشند.

تازه‌های موبایل



■ شرکت تازه تأسیس AI+ با دو گوشی جدید AI+ Nova5G و AI+ Nova5G+ وارد بازار هند شد. اولین محصولات این برند، با سیستم‌عامل بومی NxtQuantum OS مبتنی بر اندروید ۱۵ منتشر شده و به‌طور کامل در هند توسعه‌یافته است. این گوشی‌ها به دوربین دوگانه با حسگر اصلی ۵۰ مگاپیکسلی و قابلیت‌های هوش مصنوعی مجهز شده‌اند و دوربین سلفی ۵ مگاپیکسلی دارند.

■ اپل با ثبت پتنتی جدید، از نسل بعدی قلم اپل رونمایی کرده است که می‌تواند روی هر سطحی کار کند. این قلم به جای نمایشگرهای لمسی خازنی، از یک سیستم رهگیری نوری پیشرفته برای تشخیص حرکت، زاویه و موقعیت در فضای سه‌بعدی استفاده می‌کند.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد به‌تازگی عاملی ناشناس با استفاده از هوش مصنوعی، خود را به‌جای «مارکو روبریو»، وزیر امور خارجه این کشور، جا زده و با مقامات سیاسی تماس گرفته است. این موضوع هم‌اکنون درحال بررسی است.

■ تیم تحقیقات اپل درحال توسعه یک ایجنت هوش مصنوعی است که می‌تواند نمای خیابان‌ها را برای افراد نابینا توصیف کند. این ابزار به افراد نابینا کمک می‌کند توصیفی از یک منطقه را به‌دست بیاورند.

■ نویدیا از فناوری Helix Parallelism برای بهبود سرعت و پاسخگویی هوش مصنوعی رونمایی کرد. این محصول به مدل‌های هوش مصنوعی اجازه می‌دهد تا حجم عظیمی از اطلاعات را پردازش کنند و با همان سرعت به‌طور همزمان به ۳۲ برابر کاربر بیشتر پاسخ دهند.

این فناوری به‌طور ویژه برای معماری پردازشگرهای گرافیکی جدید بلک‌ول (Blackwell) طراحی شده است.

کپکشان



■ با نزدیک شدن به بازنشتستگی ایستگاه فضایی بین‌المللی (ISS) در سال ۲۰۳۰ ناسا قصد دارد عملیات در مدار پایین زمین را به بخش خصوصی واگذار کند و خود بر مأموریت‌های ماه و مریخ متمرکز شود.

■ تلسکوپ فضایی جیمز وب، جرمی به شکل جغد را رصد کرد که نمایه‌ای بسیار نادر از برخورد دو کپکشان حلقوی است.

کوتاه از فناوری

■ گفته می‌شود شرکت پایت‌دنس، مالک تیک‌تاک قصد دارد به‌زودی نسخه ویژه‌ای از نرم‌افزار محبوب ویرایش ویدیوی کپ‌کات را مختص کاربران آمریکایی منتشر کند.

خبرهای علم

■ محقق ایرانی یک تست خانگی ساده و ارزان برای ردیابی کووید ۱۹ ابداع کرده که با وجود دقت بالا، در ۱۲ دقیقه نتیجه را نشان می‌دهد و احتمالاً برای تشخیص سرطان و بیماری‌های دیگر نیز کاربرد دارد.

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده درگفت وگو با ایران اعلام کرد

اختصاص دو وام ویژه به زنان سرپرست خانوار



حل مشکل ضامن برای دسترسی زنان سرپرست خانوار به وام

یکی از چالش‌های جدی در مسیر دریافت تسهیلات، نبود ضامن است که این مشکل برای زنان سرپرست خانوار هم وجود دارد. برای حل این مشکل، معاونت امور زنان و خانواده با همکاری وزارت تعاون و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون، «صندوق ضمانت» را راه‌اندازی کرده است.

البته این صندوق ضمانت‌نامه لازم برای دریافت وام را ارائه می‌دهد، ولی این

حمایت فقط شامل زنان سرپرست خانوار

واجد شرایط می‌شود. معاون رئیس

جمهوری در امور زنان و خانواده در ادامه

می‌گوید: «در قانون بودجه ۱۴۰۴، برای اولین بار نقش ویژه‌ای برای معاونت

امور زنان و خانواده در حوزه تسهیلات اشتغال زنان، ویژه زنان سرپرست خانوار،

پیش‌بینی شده است. براساس تبصره ۱۵ این قانون، دستگاه‌هایی که از تسهیلات

تکلیفی استفاده می‌کنند، مانند کمیته امداد، بهزیستی، بنیاد برکت، بنیاد علوی

و... موظف شده‌اند در مراجعات مردمی، وام‌های خرد اشتغال پرداخت کنند.

نکته مهم این است که اختصاص بودجه سرپرست خانوار در اولویت تخصیص این

منابع قرار گرفته‌اند. این نظارت می‌تواند موجب شفافیت، بهره‌وری و ارتقای کیفیت

پرداخت‌ها شود و انتظار می‌رود در سال ۱۴۰۴ شاهد جهش قابل‌توجهی در پوشش

تسهیلات اشتغال زنان باشیم.»

چهارمیلیارد تومان وام برای پشتیبان‌ها

یکی از راه‌های افزایش اشتغالزایی بویژه برای خانم‌ها از طریق مشاغل خانگی است. به‌روزآذر در زمینه وام‌هایی که به مشاغل خانگی دیگر تعلق می‌گیرد، توضیح می‌دهد: «چهار میلیارد تومان هم وام دیگر مشاغل خانگی است که برای مدل پشتیبان داده می‌شود. در این مدل، کسی که از توانمندی خاص برخوردار است و کسب و کار خودش را راه‌اندازی کرده و توسعه داده، برای اینکه افراد بیشتری را درگیر کسب و کار کند، تا سقف چهار میلیارد تومان وام با نرخ سود چهار درصد و بازپرداخت هفت‌ساله وام دریافت می‌کند.»

به گفته او، کسانی که می‌خواهند از تسهیلات پشتیبان بهره‌مند شوند باید به سایت وزارت اقتصاد و بخش مشاغل خانگی مراجعه کنند و به عنوان نیروی پشتیبان احراز هویت شوند. در صورت احراز هویت، این افراد درخواست تسهیلات می‌دهند و تا ۴۰ نفر را می‌توانند در زنجیره معرفی کنند. بعد از این مراحل مشخصات و کد ملی آنها ثبت و افراد مشغول به کار می‌شوند.

شرایط دریافت وام برای مشاغل خانگی

متقاضیان در درجه اول، نباید جزو کارمندان دولت اعم از رسمی یا غیررسمی، قراردادی یا پروژه‌ای باشند، البته بازنشستگان دولتی مشمول این شرط نیستند. به‌روزآذر در این باره توضیح می‌دهد: «متقاضیان باید در این سامانه مخصوص حمایت از مشاغل خانگی ثبت‌نام و در سامانه درگاه ملی مجوزهای کشور احراز هویت شوند. متقاضیان باید مهارت لازم را در زمینه‌ای که می‌خواهند در آن فعالیت کنند، داشته باشند و گواهی مربوط به مهارت را در سامانه بارگذاری کنند. در این رابطه ما راهنماهایی را با سازمان فنی و حرفه‌ای امضا کرده‌ایم تا زمینه آموزش زنان را تحت‌رشد و این افراد در اولویت دریافت تسهیلات قرار بگیرند.

همچنین متقاضیان نباید قبلاً از هیچ سازمانی وام خوداشتغالی گرفته باشند. در مورد شرط سنی هم متقاضیان باید حداقل ۱۸ سال سن و گواهی عدم سابقه کیفری داشته باشند.»

مهسا قوی‌قلب/ یکی از راه‌های درآمدزایی و شاید تنها راه ادامه حیات زانی که سرپرست خانوار هستند و به تنهایی چرخ اقتصاد خانواده را می‌چرخانند، مشاغل خانگی است. اما گروهی از زنان که حرفه و علمی برای درآمدزایی ندارند، برای ادامه زندگی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. به همین دلیل پرداخت وام در مدل‌های مختلف، اما با سود بسیار پایین در دستور کار دولت‌ها قرار دارد. وام‌های خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار به منظور حمایت از آنها و کمک به ایجاد کسب و کار یا بهبود شرایط اقتصادی پرداخت می‌شود و معمولاً هم با نرخ بهره پایین و شرایط مناسب برای بازپرداخت ارائه می‌شود.

زهرا به‌روزآذر معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده درباره وام‌های در نظر گرفته شده برای زنان سرپرست خانوار و مشاغل خانگی به «ایران» می‌گوید: «در حال حاضر، دو نوع وام برای مشاغل خانگی به زنان تعلق می‌گیرد: یکی وام‌های انفرادی و دیگری وام‌های

پشتیبان، فرآیند دریافت این تسهیلات از مسیر «درگاه ملی مجوزها» آغاز می‌شود

متقاضیان با ثبت درخواست در این سامانه، مجوز لازم را دریافت می‌کنند. مجوزها ثبت‌محرند و بلافاصله صادر می‌شوند. وام‌های

انفرادی هم مخصوص کسانی است که می‌خواهند کسب‌وکار را به‌صورت مستقل و برای خود

راه‌اندازی کنند. این افراد پس از دریافت مجوز، در صورت تمایل به خریدارها را به خطر بیندازند، دور از چشم پلیس در ایستگاه بعدی از واکن پیاپی

می‌شوند و کسی هم به آنها مشکوک نمی‌شود. فرمانده یگان انتظامی مترو

در این باره می‌گوید: «اگر با این موارد مواجه شدید، خبر دهید. پلیس خیلی

زود به موضوع ورود می‌کند. می‌توانید با گوشی از این افراد عکس بگیرید.

اما چطور باید به پلیس خبر دهید؟ سرهنگ کریمی راد می‌گوید: «تعداد این افراد خیلی کم است و بیشتر زمانی که

مترو خلوت است و مسافر زیاد نیست وارد واگن‌ها می‌شوند، به محض اینکه این

فروشنده‌ها را دیدید، می‌توانید با ۱۱۰ تماس بگیرید و اعلام کنید در چه واگنی هستید.

در ایستگاه بعدی مأمور مستقر به موضوع رسیدگی می‌کند. اگر مسافر همیشگی مترو

هستید، برای اطمینان بیشتر می‌توانید قبل از سوار شدن به قطار شماره تلفن

رئیس ایستگاه مبدأ و مقصد را بگیرید و اگر در مسیر مشکلی پیدا کردید به او

زنگ بزنید. ایشان سریع به پلیس مترو خبر می‌دهد و بعد مأموران انتظامی کارشان را

شروع می‌کنند.»



انوشیروان حسینی/ایران

روایت واقعی از فروش محصولات عجیب و غریب در قطاری که به سمت غرب می‌رفت

از چاقوی دسته زنجان تا لباس ملکه فنلاند

گزارش

اکرم احمدی

دبیر گروه اجتماعی

«تو می‌مونی و من و یه چاقوی دسته سفید زنجون*» مرد این را وقتی می‌گوید که همه زنانی که در واگن بانوان قطار صادقیه به کرج نشسته‌اند، چشم‌های‌شان گرد شده و بعضی‌ها حتی می‌خواهند ترسی که به جان‌شان افتاده را پنهان کنند. مرد چاقوهای به قول خودش دسته زنجانش را از دل ساک پوشیده سیاهی بیرون می‌کشد. ساکی که چاک چاک است از تیغ چاقو. کنار چاقوهای دسته زنجان قمه و چاقوهای ریزهم هست. چاقوهایی که مرد فروشنده با صدای بلند می‌گوید: «خیلی خوب کار را در می‌آورد.» چشمان مرد به دهان زن‌هاست. حرفی بیرون می‌آید که ساکنان را باز کند یا نه؟ هیچ کس حرفی نمی‌زند، حتی پلک هم نمی‌زنند. فضا رعب‌انگیز است. مرد از سر تا ته واگن راه می‌رود. چاقوهایش را دستش گرفته و قدم می‌زند. فضا ترسناک‌تر هم می‌شود. اما قطار به ایستگاه بعدی که می‌رسد، مرد ساک چاک چاک شده از زخم چاقو را روی دوشش می‌اندازد و از واگن بانوان قطاری که به سمت غرب می‌رود، پیاده می‌شود. همه یک نفس راحت می‌کشند.

این همه ماجرا نیست. زنی با کوهی از لباس‌های رنگی از پله‌ها پایین می‌آید و یک چمدان بزرگ فرودگاهی صورتی

رنگ را دنبال خودش می‌کشد. اولین صندلی خالی است، زن اصلاً توجهی به اطراف نمی‌کند. کوه لباس‌ها را آوار می‌کند

روی صندلی و دست و پای زنی که کنار صندلی خالی نشسته، بوی مواد شوینده و اتوی بخار در واگن بانوان می‌پیچد.

دختری خسته که مقنعه‌اش را روی صورتش کشیده تا چرت بزند، سیاهی مقنعه را بالا می‌کشد و با اخم می‌گوید: «اه چه بوی بدی میاد. باز این اومد.» زن بی‌اعتنا دانه

دانه لباس‌ها را تبلیغ می‌کند. لباس‌هایش همه خارجی است. این را با صدای بلندتر می‌گوید. همه مارک است و شبیه‌اش را

فقط تن هنرپیشه‌ها و ملکه‌ها می‌بینی. بلافاصله یک شومیز سفید یقه تور ایستاده

از چمدان بزرگ بیرون می‌کشد و نشانش می‌دهد. با صدای بلند می‌گوید: «همین شومیز لنگه‌اش را پیدا نمی‌کنی. اگر بخری

فقط یکی توداری و یکی هم ملکه فنلاند.» یکی از خانم‌ها که با دقت به تبلیغ زن

فروشنده گوش می‌دهد از بغل دست‌اش می‌پرسد: «مگه فنلاند ملکه داره؟» جواب

بغل دست‌اش این است: «سرچ کن تو گوگل.» زن گوگل را باز می‌کند و می‌نویسد، ملکه فنلاند. بعد با صدای بلند می‌گوید:

«دروغ می‌گه بابا. قبلاً داشته الان دیگه نداره. تبلیغه دیگه. به کشوری رو می‌گه تو نقشه

چهان هم پیدا نمیشه.» خانم فروشنده حواسش فقط به لباس‌های رنگی است

که روی هم انبار می‌کند. زن کناری پشت کوهی از لباس‌ها کم شده، شالش را جلوی

صورتش گرفته و با صدای بلند می‌گوید: «یک لحظه آرامش نداریم از دست شما. خانم این لباس‌ها را بردار خفه شدم.» زن

فروشنده لباس ملکه فنلاند و بقیه پیراهن و شومیزهای رنگارنگ را جمع می‌کند و می‌گوید: «راست می‌کنم

چمدانش می‌چایند. سؤال زنی که می‌پرسد این لباس‌ها دست دوم است صورتش

را سرخ می‌کند، برافروخته برمی‌گردد: «تانا‌کورا با اینا فرق داره. نمی‌دونی بدون اینا استوکه. لباس‌های مارکدار خارجی. بری

بازار صد تا از این مغازه‌ها می‌بینی...» راست می‌گوید، حتی در بعضی از ایستگاه‌های

مترو هم چند مغازه لباس فروشی کنار هم ردیف شده و شومیزهای سفید دست

دوم را ۱۹۸ هزار تومان می‌فروشد. از ایستگاه تجریش تا کهریزک. مهمه می‌شود. یکی

از خانم‌ها با صدای بلند می‌گوید: «ناگر نه انار توای قطار هستیم. بازار متحرک

است. کاش دو تا چیز درست و حسابی می‌فروختند. یکی چاقوی دسته زنجان

می‌فروشد و یکی لباس دست دوم. بوی لباس‌ها تابلوست که تانا‌کورا است بعد

آیا کسی حواسش هست؟

هم در ایستگاه مبدأ و هم در ایستگاه مقصد قطعاً مأموران پلیس مترو را می‌بینید. این را سرهنگ کریمی راد فرمانده یگان انتظامی مترو می‌گوید. او درباره رصد فروشنده‌های



یکی از خانم‌ها که با دقت به حرف‌های زن فروشنده گوش می‌دهد، با صدای بلند می‌گوید: «دیگر امنیت جانی نداریم. گوش می‌فگند لوازم آرایش متروبی و صابون تریاک و کرم شیرالاغ نخرید. حالا سنگ مرداب و عرق کافور هم اضافه شده.»

نه سنگ مرداب بخريد نه عرق کافور

پایخ سرپرست فرآورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو هم با هشدار همراه است. برای این‌که سنگ مرداب نه تنها فاقد مجوز است، بلکه به‌دلیل وجود سرب می‌تواند آسیب‌های جدی به سلامت وارد کند. پودر سنگ خیلی سریع توسط منافذ پوست جذب می‌شود و می‌تواند مشکلات زیادی درست کند. دکتر شهرام شعبی به «ایران» می‌گوید: «سنگ مرداب یا همان مرداب سنگ که گاهی به‌عنوان ماده‌ای برای کاهش بوی عرق توسط برخی افراد توصیه می‌شود، حاوی ترکیبات سرب است و مصرف آن از نظر علمی و بهداشتی به‌هیچ‌وجه تأیید نمی‌شود. این ماده معمولاً به‌صورت فله‌ای و از طریق فروشندگان دوره‌گرد یا دست‌فروش‌ها عرضه می‌شود و بدون مجوز است. به همین دلیل سلامت مردم را به خطر می‌اندازد و می‌تواند باعث جذب پوشتی سرب، مسمومیت مزمن، آسیب به کبد و کلیه و حتی اختلالات عصبی شود.»

دارو هیچ‌گونه مجوزی برای تولید یا توزیع سنگ مرداب صادر نکرده، می‌گوید: «متأسفانه برخی باورهای غلط سنتی، مردم را به مصرف این گونه مواد فاقد ایمنی و سلامت ترغیب می‌کند، در حالی که چنین

اقلامی ممکن است پیامدهای غیرقابل جبرانی به‌دنبال داشته باشند.» او همچنین درباره استفاده عرق‌گیری گیاهی بی‌نام

و نشانی که با تبلیغات آتچنایی توسط دستفروش‌های مترو فروخته می‌شود،

توضیح می‌دهد: «قبل از خرید این محصولات حتماً به نشان سیب سلامت و برچسب اصالت و رهگیری آن توجه کنید.

به هیچ وجه فرآورده‌های بدون بسته‌بندی و فاقد اطلاعات تولیدکننده و بی‌نام و

نشان نخرید.»

* جمله ای از دیالوگ شخصیت سیدرسول در فیلم گونزها

تأمل

دکتر مهدی گلشنی

استاد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف

خودانکایی در سایه اتحاد

وقایع تلخی که در هفته‌های اخیر رقم خورد، نباید برای کسی تعجب‌آور باشد. این بخشی از سناریوی همیشگی غرب است؛ سناریویی که بر این اصل استوار است که ایران نباید قدرتمند شود. این اصل، از دهه‌ها پیش در سیاست خارجی آمریکا و انگلیس علیه ایران تثبیت شده است؛ چون آنان به خوبی می‌دانند که ایران، با این ظرفیت انسانی، با این موقعیت جغرافیایی، با این منابع طبیعی و با این سابقه تمدنی، مستعدترین کشور خاورمیانه است و برای مهار این استعداد، بهترین ابزار را انتخاب کرده‌اند: «اسرائیل»؛ رژیمی که هم نقش ابزار و هم نقش پیشقراول را برای آنان دارد.

تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به خاک ما غیرمنتظره نبود. این ادامه همان سیاستی است که همواره غرب در برابر ایران در پیش گرفته است؛ جلوگیری از ایستادن ایران روی پای خود. در چنین شرایطی، راه نجات ما از شر آنان چیست؟ راهی که بتواند ما را از این دایره تهدید و تحریم بیرون ببرد. پاسخ را باید از تاریخ گرفت. در سال ۱۹۴۵، بعد از جنگ جهانی دوم، آلمان و ژاپن شکست کامل را تجربه کردند. زیرساخت‌هایشان ویران، جمعیت‌شان تحقیر و اقتصادشان فلج شد، اما این دو کشور، بدون تکیه به هیچ ابرقدرتی، خود را بازسازی کردند. رازشان چه بود؟ خودباوری، خودانکایی و اتحاد. در ژاپن، یکی از دانشجویان که برای کسب علم به غرب رفته بود، به استاد ژاپنی خود نوشت: «ما می‌توانیم. ما دست‌کمی از غربی‌ها نداریم. می‌توانیم طی ۲۰ سال، به آنان برسیم.» و رسیدند. آلمان، نتوانست به سرعت خود را بی‌نیاز از دیگر کشورهای اروپایی کند و ژاپن هم با تکیه بر توان داخلی، نه‌تنها اقتصاد خود را بازسازی کرد، بلکه به یکی از قطب‌های تکنولوژی جهان بدل شد. امروز، مهم‌ترین نیاز ما همین است: وحدت ملی، خودباوری و خودانکایی. ما باید به خودمان تکیه کنیم، نه به قدرت‌های غربی. باید نگاه‌مان را از بیرون برداریم و متوجه ظرفیت‌های درون شویم. بی‌شک با خودانکایی در سایه اتحاد اجتماعی می‌توانیم از بحران‌های پسا جنگ گذر کنیم.



تنوع و همزیستی باید پایه اساسی هویت ملی ما باشد

رمز اصالت هویت ایرانی

همبستگی اجتماعی تاب‌آوری ملی را بالا می‌برد

راهنبر

دکتر وحید شالچی

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی و معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

گروه اندیشه/ در میانه بحران‌های ژئوپلیتیک معاصر، بازخوانی جامعه‌شناختی مفهوم «تاب‌آوری ملی» به پارادایمی تحلیلی بدل شده است که از سطح توصیف پدیده‌های اجتماعی فراتر رفته و به کالبدشکافی هستی‌شناختی جوامع می‌پردازد. در این گفتار، دکتر وحید شالچی، دیالکتیک پیچیده میان «هویت ایرانی» و «تاب‌آوری ملی» را بازتابی می‌کند. او با عبور از روایت‌های سطحی، ما را به نظریه «سرمایه اجتماعی مقاومتی» رهنمون می‌سازد؛ جایی که همبستگی نه محصول اراده فردی، که برآیند تاریخی «رنج مشترک» و «حافظه جمعی» است. دکتر شالچی با اتکا به چهارچوب نظری «هویت‌های چندلایه» نشان می‌دهد که تاب‌آوری ملی محصول تعامل سه عنصر بنیادین است: ۱. «عدالت توزیعی» به مثابه زیرساخت مادی ۲. «به رسمیت‌شناسی نمادین» به مثابه زیرساخت معنایی ۳. «روایت‌پذیری تاریخی» به مثابه زیرساخت گفت‌وگویی. او با نقد «الگوی تک‌ساختی هویت‌سازی» در دوره پهلوی اول، هشدار می‌دهد که تقلیل «ایرانیت» به روایتی یکسان‌ساز، نه تنها تاب‌آوری را تضعیف می‌کند، بلکه «امنیت هستی‌شناختی» جامعه را به مخاطره می‌اندازد. از این منظر، نظریه «تمامیت معنایی ایران» پیشنهاد اوست برای گذار از گفتمان‌های انحصاری به سوی الگویی پلورال که در آن، «وحدت در عین کثرت» نه به عنوان آرمانی دست‌نیافتنی، که به مثابه واقعیتی تاریخی- فرهنگی ایران فهمیده می‌شود.

همه افشار در سیاست‌گذاری‌ها دیده شوند

بگذرانند، این دال را از معنا تهی کرده‌اند. این اتفاق در دوره پهلوی اول رخ داد که بخش‌های مهمی از هویت تاریخی و فرهنگی مردم ما مثل دین و تنوع قومی در آن نادیده گرفته شد و به درک ناقص و تک بعدی از ایران منجر گردید و ایران در این دوره، از واقعیت تاریخی و فرهنگی خود فاصله گرفت و هویت ایرانی نتوانست نقش نجات‌بخش خود را برای جامعه‌اش ایفا کند.

«تمامیت معنایی» ایران را باید حفظ کنیم

ایران باید تمامیت معنایی و ایده‌آل‌هایش را حفظ کند و به این منظور باید تصویری جامع از هویتش ارائه شود که همه اقوام، زبان‌ها و باورها را در بر گیرد و این تنوع و همزیستی باید اساس هویت ملی ما باشد تا میان هویت ملی، دینی و قومی ما تقابلی ایجاد نشود. اما متأسفانه ما در برهه‌هایی ناخواسته و حتی گاه تعمدی، شاهد چنین تقابل‌ها و تقلیل‌هایی بودیم؛ دوگانگی‌هایی که انرژی و توان جامعه را تخلیه کرد که ناشی از خوانشی خاص و سیاسی از تاریخ ایران بود. نگاه گزینشی به هویت و تاریخ ایران، بخش‌های درخشان و حتی تاریخ ایران را نادیده می‌گیرد در حالی که برای اینکه به قدرت هویت ایرانی‌مان پی ببریم نیاز داریم که تاریخ و فرهنگ چند هزار ساله این سرزمین را بدون چشم‌پوشی بر بخشی از آن ببینیم و درس بگیریم.

هویت تقلیل یافته، تاب‌آوری جامعه را تهدید می‌کند

در پس همبستگی اجتماعی، مفهومی از هویت نهفته است که پایه‌های دولت-ملت را شکل می‌دهد. ما باید به درکی از هویت برسیم که همه ایرانیان را در بر بگیرد و هیچ گروهی احساس بیرون ماندگی از آن نداشته باشد. ایران، دال مرکزی وحدت ماست که تاریخی چند هزار ساله دارد اما اگر گروهی تلاش کنند ایران را فقط نمایانگر منافع و دیدگاه خود بدانند و دیگران را از این دایره بیرون

ایران، خانه هویت همه ماست

ایرانیت ما ترکیبی از هویت باستانی، آریایی، اسلامی، شیعی و حتی مدرن است. ممکن است هر کدام از ما به بخشی از این فرهنگ و هویت بیشتر علاقه‌مند باشیم اما مهم این است که کل این فرهنگ و هویت را بپذیریم و از تقلیل آن پرهیز کنیم چون این موضوع تهدیدی برای همبستگی اجتماعی ماست. ایرانیت شامل دین، موسیقی و فرهنگ متنوعی است که همه ما باید به تمام جنبه‌های آن احترام بگذاریم و «دیگری» را از این دایره به رسمیت بشناسیم. در دنیای امروز داشتن نیروی نظامی قوی ضروری است اما این تنها یکی از ضروریات جامعه ماست. برای حفظ تمامیت سرزمینی باید تمامیت مفهوم ایران را با همه پیچیدگی‌ها و تنوع‌هایش به رسمیت بشناسیم. ایران، خانه هویت همه ماست.



بش



برای اینکه

مقاومت و

ایستادگی

لازم

است که همه

گروه‌ها شنیده

و دیده شوند

و در روایت

رسمی جامعه

و دولت حضور

داشته باشند.

این یک اصل

اساسی در

سیاست‌گذاری

فرهنگی است

که باید آن را

برای حفظ

اقتدار ایران

جدی‌تر بگیریم



ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران

ایران



در تکاپوی امنیت و مقاومت

ولی نصر در کتاب استراتژی کلان ایران: تاریخ سیاسی می کوشد

تصویر متفاوتی از سیاست خارجی ایران ارائه دهد



نصرا بهره‌گیری از منابع تاریخی، مصاحبه و تحلیل‌های نظری، تحلیل‌های نظری، نشان می‌دهد سیاست‌های ایران در دوره‌هایی چون برنامه هسته‌ای، روابط منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های خود در پی حفظ امنیت، نظم بین‌المللی است. او برخلاف برخی روایت‌ها که سیاست خارجی ایران را امری هیجانی و فاقد عقلانیت راهبردی می‌دانند، بر این نکته تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی ایران، چه در مقاطع بحرانی چون جنگ با عراق و چه در مواجهه با فشارهای سنگین تحریم‌ها، همواره سیاستی مبتنی بر محاسبه و توازن هزینه و فایده در پیش گرفته است. نصر همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که سیاست خارجی ایران نه تنها بازتاب اضطراب‌ها، وسواس‌ها و تهدیدات امنیتی است بلکه حامل نوعی آرمان‌گرایی تاریخی نیز هست که در حافظه جمعی ایرانیان ریشه دارد. این کتاب که در یازده فصل تنظیم شده، با مقدمه‌ای مفصل آغاز می‌شود و ساختاری روشنمند دارد. در بخش نخست، تحولات دوران انقلاب و جنگ ایران و عراق تحلیل شده و نویسنده در بخش دوم به بررسی شکل‌گیری و تکامل استراتژی مقاومت و رویکردهای راهبردی ایران در دهه‌های پس از جنگ پرداخته است.

تبارشناسی تنهایی استراتژیک ایران

ایران کشوری با تاریخی هزاران ساله، همواره در معرض تهدیدها و تحولات ژئوپلیتیکی قرار داشته است که بر نگاه این کشور به مسأله امنیت، قدرت و بقا تأثیر گذاشته‌اند. تجربه‌های تلخ جنگ و اشغال، از حملات امپراتوری‌های همسایه در قرون گذشته تا اشغال متفقین در جنگ جهانی دوم در حافظه جمعی ایرانیان باقی‌مانده و نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری سیاست خارجی و امنیت ملی این کشور ایفا کرده است.

ولی نصر در کتاب خود بر این نکته تأکید می‌کند که درک سیاست خارجی ایران بدون توجه به این حافظه تاریخی و تجربه‌های مکرر از تهدیدهای خارجی ممکن نیست. او به لایه‌های فکری روشن‌فکران ایرانی و درک آنان نیز نظر دارد. به طور مثال در کتاب محبوب «ایران و تنهایی‌اش» اشاره می‌کند. در این اثر «محمدعلی اسلامی ندوشن» استدلال کرد که حس یگانگی (ویژگی منحصربه‌فرد بودن) بخشی جدایی‌ناپذیر از آگاهی ملی ایرانیان است. تمایز ایران از نظر تمدن، دین، زبان، و فرهنگ به این معناست که ایران تنها کشور شیعه پارسی‌زبان در منطقه‌ای است که اعراب و ترک‌های سنی‌مذهب بر آن تسلط یافته‌اند. تنهایی طرف دیگر

ولی نصر در ادامه اشاره می‌کند که تجربه اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، زمانی که نیروهای متفقین وارد خاک ایران شدند و رضاشاه از قدرت کنار گذاشته شد، یکی از زخم‌های ماندگار در حافظه سیاسی ایران است. در این دوره بار دیگر ایران به محل کشمکش قدرت‌های خارجی بدل شد و مردم با قحطی، تورم و بی‌ثباتی دست و پنجه نرم کردند. همان‌گونه که نصر می‌نویسد: «آنچه رضاشاه بنا کرده بود، برای تضمین حاکمیت و امنیت کافی نبود.» اشغال نظامی، فروپاشی اقتصاد و تضعیف دولت مرکزی در آن دوران به‌ویژه برای نخبگان سیاسی و نظامی ایران، به درسی دربار ضرورت برخورداری از ابزارهای کافی برای حفاظت از استقلال کشور در برابر تهدیدهای خارجی مبدل شد.

این تجربه‌ها به شکل‌گیری مفهومی انجамید که بعدها در سیاست‌های شاه و سپس جمهوری اسلامی بازتاب یافت؛ پیوند میان امنیت، قدرت و توسعه ملی. محمدرضا شاه پهلوی، که در سایه این تحولات به سلطنت رسید، استراتژی خود را بر تمرکز قدرت، توسعه اقتصادی و حفظ اتحاد با غرب به‌عنوان یک ضرورت دفاعی بنا کرد. به باور نویسنده شاه با درکی که از تهدیدهای پیش رو داشت می‌خواست تلاش کند ایران را به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل کند اما در مسیر مدرنیزاسیون خود نتوانست نارضایتی‌های اجتماعی را مهار کند و در نهایت این شکاف‌ها منجر به انقلاب ۱۳۵۷ شد.

ولی نصر نشان می‌دهد چگونه انقلاب اسلامی نیز بر همان بسترهای تاریخی یعنی جست‌وجوی استقلال و امنیت در مواجهه با تهدیدهای خارجی شکل گرفت. در این میان ضدیدت با نفوذ خارجی به‌ویژه با ایالات متحده به یکی از ارکان گفتمان انقلابی تبدیل شد. گفتمانی که به تعبیر نصر «اسلام را به زبان سیاست ایران با روستی نویسنده به نقل از یکی از رهبران انقلاب اشاره می‌کند که گفته بود: «اکنون همه تصمیم‌ها در تهران گرفته می‌شود.» این جمله ساده اما عمیق، بازتاب‌دهنده تعهد جمهوری اسلامی به استقلال تصمیم‌گیری و مقاومت در برابر هرگونه مداخله خارجی است. او همچنین اشاره می‌کند که ایران پس از انقلاب، تجربه‌های تاریخی گذشته را به خوبی درک کرده و کوشیده است از تکرار اشتباهات شاه و مصدق جلوگیری کند. در این میان استقلال ژئوپلیتیک همچنان یک اصل ثابت باقی‌مانده است. اصلی که هم در مقاومت در برابر تحریم‌ها، هم در پرونده هسته‌ای و هم در سیاست‌های منطقه‌ای ایران قابل مشاهده است.

وی در تحلیل خود نشان می‌دهد در نگاه ایران به جهان، تهدید خارجی هرگز فقط تهدیدی نظامی نبوده است بلکه یک تهدید هویتی و تاریخی نیز محسوب می‌شود. از همین رو ایران بارها تأکید کرده که امنیتش را نه در تکیه بر قدرت‌های بزرگ، بلکه در اتکای به ظرفیت‌های داخلی و شبکه‌های منطقه‌ای خود جست‌وجو می‌کند. این همان چیزی است که نصر از آن به‌عنوان «منطق مقاومت» یاد می‌کند. او می‌نویسد: «ایران نتیجه گرفت که باید روی پای خود بایستد و امنیت و عظمت را از طریق مقاومت در برابر نظم بین‌المللی تحت رهبری غرب به دست آورد.» این استراتژی کلان هرچند با هزینه‌هایی همراه بوده است اما برای جمهوری اسلامی معنای فراتری از سیاست روزمره دارد چرا که این استراتژی از منظر جمهوری اسلامی ایران بقا، عزت ملی و تداوم هویتی ایران را در جهانی پراشوب تضمین می‌کند. در همین چارچوب است که مسأله انرژی هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای و حتی مناسبات اقتصادی ایران معنای متفاوت از تصور رایج در رسانه‌های غربی پیدا می‌کند.

زایش راهبرد امنیتی ایران

اگرچه ریشه راهبرد امنیتی ایران همان‌گونه که اشاره شد به حافظه تاریخی کهنسال آن باز می‌گردد اما به دوره پس از انقلاب نیز وقوع «جنگ با عراق» منشأ بازتولید این درک تاریخی (۱۳۵۹) همه‌چیز را تغییر داد. جنگی که هشت سال به درازا کشید و نه تنها بسیاری از آرمان‌های انقلاب را در بونه آزمون قرار داد، بلکه ضرورت‌های بقا و امنیت را در اولویت سیاست خارجی و داخلی قرار داد. به باور نصر تجربه جنگ ایران و عراق تأثیری عمیق و ماندگار بر رهبران جمهوری اسلامی ایران گذاشت. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در یک محیط خصمانه منطقه‌ای و جهانی، اتکا به خود، بازآرندگی و شکل‌دهی به شبکهای از روابط منطقه‌ای برای تضمین امنیت ملی ضروری است.



کتاب «استراتژی کلان ایران: تاریخ سیاسی» نه فقط یک روایت تاریخی، بلکه نوعی ابزار تحلیلی برای درک رفتار منطقه‌ای ایران در محیطی پراشوب است. آن هر تصمیم تهران می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای ملی به همراه داشته باشد

بهره گرفت تا به جای دفاع در مرزهای جغرافیایی خود، تهدیدات را در عمق منطقه مدیریت کند. این سیاست نه تنها مبتنی بر الزامات دفاعی بلکه بازتاب تجربه‌های تلخ تاریخی ایران از تهاجمات و دخالت‌های خارجی است. نصر در تحلیل خود به ظهور «محور مقاومت» اشاره می‌کند و فضلی را به آن می‌پردازد. ائتلافی متشکل از گروه‌های همسو در منطقه که با ایران در مقابله با نفوذ آمریکا و اسرائیل همراه شده‌اند. او تصریح می‌کند برخلاف نگاه‌های رایج، این محور صرفاً یک ابتکار ایدئولوژیک نیست بلکه بر پایه منطق بازآرندگی و حفظ امنیت ملی ایران شکل گرفته است.

در چنین شرایطی فشارهای بین‌المللی، تحریم‌های اقتصادی، هزینه‌های انسانی و مالی درگیر شدن در بحران‌های منطقه‌ای و نارضایتی‌های داخلی برخی از مشکلاتی است که ایران برای حفاظت از امنیت خود و در جریان اتحاد این راهبرد با آن مواجه بوده است. به گفته نویسنده این چالش‌ها موجب شده‌اند ایران به اعطاف‌پذیری در کانکیت‌ها روی آورد اما در راهبرد کلان خود ثابت‌قدم بماند. از جمله انعکاس‌های این اعطاف می‌توان به عادی‌سازی روابط ایران و عربستان سعودی در سال‌های اخیر اشاره کرد. نصر بر این نکته تأکید می‌کند که این تحولات، نشانه‌ای از پراگماتیسم و محاسبه‌گری در سیاست خارجی ایران و نه گسست از راهبرد مقاومت است. او به‌ویژه نشان می‌دهد تجربه‌های ایران در مواجهه با رویدادهایی چون حملات یازده سپتامبر، تهاجم آمریکا به عراق، بهار عربی و تحولات سوریه، همگی به تقویت این رویکرد راهبردی انجامیده‌اند.

نویسنده در یکی از فصل‌های این بخش به موضوع پرتنش برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد و با استفاده از تحلیل‌های دقیق نشان می‌دهد ایران هرگز برنامه هسته‌ای خود را به‌عنوان یک پروژه تسلیحاتی ندیده بلکه آن را به عنوان اهرمی برای بازآرندگی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود دنبال کرده است.

چشم‌انداز امنیت، بقا و آینده

در بخش پایانی کتاب با عنوان «بهای مقاومت»، ولی نصر به تحلیل وضعیت کنونی ایران و چشم‌اندازهای پیش‌رو می‌پردازد. این تحلیل به جای آنکه به پیش‌بینی‌های قطعی یا سناریوهای پرهزینه فروغلتد یا زبانی محتاط و دقیق واقعیت‌های پیچیده داخلی و منطقه‌ای ایران را ترسیم می‌کند و سناریوهای محتمل برای آینده را شرح می‌دهد. نصر اشاره می‌کند که ایران امروز با مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی دست به‌گریبان است: فشارهای اقتصادی، نارضایتی اجتماعی، بحران‌های محیط زیستی و مسأله تغییر نسل که همه می‌توانند چالش‌هایی را در آینده پدید آورند ولی در عین حال جمهوری اسلامی ایران به دلایل ساختارهای امنیتی و سیاست‌های بازدارنده، همچنان توانسته است ثبات خود را حفظ کند. او تأکید می‌کند استراتژی کلان ایران بر ترکیبی از حافظه تاریخی، الزامات امنیتی و آرمان‌های ملی استوار است و این ترکیب نوعی اعطاف‌پذیری یا تاکتیکی به نظام ایران بخشیده است. ایران بارها در بزنگاه‌های تاریخی نشان داده‌قدر به تطبیق با تحولات است و این امر را چه در برابر فشارهای خارجی و چه در مواجهه با بحران‌های داخلی نشان داده است. به باور او همان‌طور که جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته از بحران‌های بزرگ عبور کرده، آینده آن نیز به توانایی رهبران برای ترکیب مدل‌گرایی با پایدینی به اصول کلیدی سنگینی خواهد داشت. او به‌ویژه هشدار می‌دهد سیاست‌گذاران خارجی به‌ویژه در غرب باید از تحلیل‌های کلیشه‌ای و ساده‌انگارانه درباره ایران فاصله بگیرند و به درک دقیق‌تر از منطق تصمیم‌گیری در تهران برسند. تنها در این صورت است که می‌توان به تعامل مؤثر و مدیریت بحران‌های آتی در منطقه امیدوار بود.

کتاب «استراتژی کلان ایران: تاریخ سیاسی» نه فقط یک روایت تاریخی، بلکه نوعی ابزار تحلیلی برای درک رفتار منطقه‌ای ایران در محیطی پراشوب است. محیطی که در آن هر تصمیم تهران می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای ملی به همراه داشته باشد. این کتاب با ساختاری روشن از بستر تاریخ معاصر ایران آغاز می‌کند و تا تحلیل تحولات امروز منطقه و جایگاه ایران در جهان پیش می‌رود. مجموعه‌ای از رویدادها که به‌روشنی نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران، چه در لحظات بحران و چه در فرصت‌های دیپلماتیک، بر پایه درک پیچیده از قدرت، تهدید، هویت و تاریخ شکل گرفته است.

او در کتابش می‌نویسد برای ایران جنگ با عراق تنها یک درگیری مرزی نبود بلکه یک نبرد برای بقا و حفظ موجودیت بود. در این جنگ ایران بار دیگر تنها ماند. نه غرب و نه شرق به کمک آن نیامدند. این تنهایی به تعبیر نصر به شکل‌گیری یک فرهنگ استراتژیک خاص منجر شد. فرهنگی که در آن مقاومت و ایستادگی، به ابزار اصلی تأمین امنیت و تعریف جایگاه ایران در نظام بین‌المللی بدل شد. این نگاه در سال‌های بعد به سیاست موسوم به «دفاع پیش‌رونده» یا «عمق استراتژیک» انجамید که نویسنده در بخش دوم به تفصیل به آن پرداخته است. نصر یادآور می‌شود برخلاف تصویر که گاه در تحلیل‌های بیرونی وجود دارد، تصمیم‌گیرندگان ایرانی این سیاست‌ها را بر پایه عقلانیت کرده‌اند. حتی سیاست‌هایی که به ظاهر هزینه‌زا به نظر می‌رسند، در ذهن تصمیم‌گیرندگان ایران، ابزارهایی برای جلوگیری از تهدیدات بزرگ‌تر بوده‌اند.

همین تجربه‌ها باعث شد تا جمهوری اسلامی، استراتژی کلان خود را بر سه محور اساسی بنا کند: مقاومت در برابر فشارهای خارجی، تقویت قدرت دفاعی از طریق توانمندسازی داخلی و توسعه نفوذ منطقه‌ای برای جلوگیری از محاصره استراتژیک. در این مسیر ایران به‌ویژه از ابزارهای نامتقارن برای افزایش عمق استراتژیک خود بهره گرفته است. ابزاری که به گفته نویسنده، بازتاب‌دهنده درسی است



استراتژی کلان ایران:

تاریخ سیاسی Iran's Grand Strategy: A Political History نویسنده: ولی نصر / Vali Nasr ناشر: انتشارات دانشگاه پرینستون / Princeton University Press تعداد صفحات: ۴۰۸ صفحه قیمت: ۲۲۰۹۹۰۰۰ پورو

که ایران از جنگ و فشارهای تاریخی گرفته است. نصر تأکید می‌کند در این استراتژی کلان ایران، هرچند از زبان و نمادهای اسلامی استفاده می‌شود اما اهدافی که دنبال می‌شوند، در باطن عرفی هستند: «ستون‌های مذهبی نظام راهی برای ایران است و تانماف سیاسی و اقتصادی در داخل و منافع ملی در خارج را تعریف کند. این اهداف در باطن عرفی هستند.» نویسنده همچنین به تحولات پس از جنگ می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه ایران در دهه‌های بعد به جای آنکه سیاست خارجی خود را صرفاً در خدمت صدور انقلاب قرار دهد، به‌تدریج به دولتی عمل‌گرا تبدیل شد که هدف اصلی‌اش بقا، امنیت و حفظ قدرت بود و درک رفتار ایران بدون توجه به این منطق دشوار است.

تثبیت استراتژی کلان مقاومت

بخش دوم کتاب با تمرکز بر سال‌های پس از جنگ و به‌ویژه دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به تحلیل تحول استراتژی کلان ایران می‌پردازد. این بخش که شش فصل را شامل می‌شود، نقشه راهی است برای درک دقیق‌تر آنچه نویسنده «مقاومت» می‌نامد. نصر بر این باور است که پس از پایان جنگ، ایران با دو انتخاب روبه‌رو بود: اصلاح و بازگشت به نظم بین‌المللی یا تداوم مقاومت در برابر نظم جهانی تحت سلطه آمریکا. جنگ گفته او حکومت ایران مسیر دوم را برگزید و به تدریج سیاست‌هایی شکل گرفت که طی دهه‌های بعد ستون فقرات سیاست خارجی ایران را تشکیل داد.

در این مسیر، ایران با اتکا به گروه‌های نزدیک به خود در منطقه از جمله در لبنان، سوریه، فلسطین، عراق و یمن، به دنبال شکل‌دهی به شبکهای از نفوذ منطقه‌ای رفت که هدف آن ایجاد بازآرندگی در برابر تهدیدات نظامی و سیاسی بود. نصر به‌ویژه بر نقش نیروی قدس و فرماندهان آن در برپایه این شبکه تأکید می‌کند. او نشان می‌دهد ایران چگونه از مفهوم «دفاع پیش‌رونده»

روایت «ایران» از زندگی هایی که زیر آوار تجاوز دشمن صهیونیستی دفن شد

پناهی برای جنگ زدگان شهر

سهیلا نوری / اینجا تا ۱۶ روز پیش «بهشت آندیا» بود؛ اتاقی

پیر از اسباب بازی و تصاویر کود کانه که دخترک شیرین زبان نام خودش را روی آن گذاشته بود. آنچه جنگ به روز این دختر کوچولوی ۵ساله آورده که حالا عکس اتاقش را نشان می دهد و با گریه می گوید «بهشت آندیا زود تموم شد». ادامه حکایت صدها کودک، زن و مردی است که خانه و زندگی شان ناغافل هدف تجاوز دشمن حریص قرار گرفت و در چشم به هم زدنی

رژیم اسرائیل یکبار در روز اول جنگ و بار دیگر چند ساعت پیش از آتش بس، لحظه هایی بسیار سخت و غیرقابل باور را بر تعدادی از ساکنان پایتخت تحمیل کرد؛ لحظاتی که به گواه تک تک راویان آن، یا انتظارش را نداشتند یا به قدری ضرب الاجل پیام همداراش را دریافت کردند که بیشتر از هر احساسی، حس استیصال بر آنها چیره شد.

در صدم ثانیه فرو ریخت

در فاصله ۲ سجده نماز صبح، در و دیوار خانه اش در هم پیچید. حوالی ساعت یک بامداد سوم تیرماه اخباری مبنی بر همدار تخلیه منطقه ۷ را شنید، اما در دلش می گفت اگر مقرر است آخرین روز زندگی ام باشد می خواهم آخرین نفس را زیر سقف خانه ام بکشم. تعدادی از ساکنان ساختمان ۴ طبقه محل زندگی مرد، از چند روز پیش منزل را ترک کرده و بقیه هم با شنیدن هشدار تخلیه، رفته بودند اما او به همسر و فرزندانش گفته بود «من انتخاب کردم در همین خونه بمونم ولی شما مجبور نیستید و اگر بخواهید هر جای دیگه ای جز اینجا باشید من هیچ مخالفتی ندارم.» ولی همه در خانه ماندند چرا که بارها از مرد شنیده بودند «گر نگه دار من آنست که من می دانم، شیشه را در بغل سنگ نگه می دارم».

از مرد که بیش از ۲۰ سال مربی باشگاه بدنسازی است و نمی خواهد نامی از او منتشر شود، دلیل این انتخاب اعضای خانواده اش را می پرسم و می گوید: «سال ها پیش اتفاقی در زندگی من افتاد که باعث شد همه ما باور کنیم اگر قرار به مردن باشد در محفظه فولادی هم که باشیم می میریم، ولی اگر خدا نخواهد با وجود ناامید شدن پزشکان هم زنده می مانیم. راستش را بخواهی ۱۴ سال پیش به دلیل تمرین های سنگین دچار آسیب دیدگی شدیدی شدم

که کم کم قدرت راه رفتن را

گرفت. کار به جایی رسید که دکترها ناامید شدند و غیرمستقیم به من آمادگی دادند که من در ساعات پیش از آتش بس است، ادامه می دهد: «آن شب همان حال و هوای ۱۴ سال پیش را داشتم. با اینکه خبر همدار تخلیه منطقه ۷ را شنیده بودم ولی با خودم می گفتم، گریم که از ترس دشمن خانه و زندگی را رها کنم و به بیابان پناه ببرم، اگر پیمانم پر شده باشد، حتی اگر دست دشمن به من نرسد، در آن بیابان یک عرقب قاصد مرگم می شود.

اگر هم نه که مثل ۱۴ سال پیش در اوج ناامیدی، سالم می مانم. یک حس به من می گفت اشهدم را بخوانم ولی به امام هشتم هم متوسل شوم. برای همین صلوات خاصه امام رضا (ع) را خواندم و صدای اذان که آمد وضو گرفتم و جانم از پایین پنجره پهن کردم.»

در فاصله ۲ سجده رکعت دوم نماز صبح، تمام خانه ویران شد. برخلاف افراد زیادی که در روزهای ابتدایی جنگ از تهران خارج شدند تا روزهای آرام تری را بگذرانند، مربی باشگاه بدنسازی با شنیدن هشدار تخلیه منطقه ۷، در خانه اش ماند و این بار هم شیشه عمرش نشکست. زن و فرزندانش هم در سلامت هستند، اما در اثر موج انفجار در و دیوار خانه شان فرو ریخت و تمام وسایل خانه زیر آوار مدفون شد، به طوری که دیگر انتخابی نداشتند جز اینکه در یکی از

مکان های معرفی شده برای پذیرش شهروندانی که خانه هایشان بر اثر اصابت موشک در تجاوز نظامی رژیم اسرائیل خراب شده، ساکن شوند؛ «به نظر در صدم ثانیه همه چیز از بین رفت. ما بر عکس کسانی که روز اول جنگ غافلگیر شدند آمادگی داشتیم. چراغ سیار را گوشه ای گذاشته بودم تا اگر لازم شد روشن کنم. لایه لای دود و خاک خودم را به زن و بچه رساندم. انگار خاک پخش شده در هوا چرب بود. نمی شد راحت نفس کشید.

نهمیدم چطور ولی با سرعت دست شان را گرفتم و دودیم داخل کوبه. تمام محله را خاک برداشته بود. چشم چشم را نمی دید. برق قطع شده بود، بوی گاز می آمد. محشری برپا شده بود. ولی بالاخره آن لحظه های سخت تمام شد. البته حالا ما دیگر خانه و زندگی نداریم، فقط مهدیگر را داریم که همین معجزه زندگی من است.

نمره عمر ۷۹ ساله ام دفن شد

به «آریا» می گویم فرض کن «بنیامین تنناهاو» حرف هایت را بخواند. حالا که از خانه و کاشانه ات به اجبار کوچ کرده ای چه برای گفتن به او داری؟ بعد از چند ثانیه مکث، پاسخ می دهد: «خترم حرف من، حرف دنیاست. این بشر در ظاهر شبیه انسان، اما در واقع از هر حیوان درنده ای درنده تر است. بارها دیدیم و شنیدیم که حیوان درنده خو به یک طفل خردسال رحم کرده، اما این بشر نه تنها به شیرخواره و زن و مرد رحم نمی کنه که از قتل عام خوشحال هم میشه.»

پیرمرد ۷۹ سال دارد. از روز سوم یا چهارم جنگ به همراه همسر و دخترش به خانه پسر بزرگش در شهر پرنده رفته بودند، اما شب آخر جنگ همسرش را از بیمارستان برمی گرداند و برای اینکه دیروقت مزاحم خانواده

عکس: حسن شیروانی / ایرنا

بپرش نشود، به خانه خودشان در نزدیک محدوده «پل چوبی» آمدند. تازه چشمش گرم خواب شده بود که با صدای زنگ خانه از خواب پرید. رژیم اسرائیل به ساکنان منطقه ۷ هشدار تخلیه داده بود و پسر از ترس جان پدر و مادرش سراغ آنها آمده بود. کمتر از یک ساعت بعد خارج شدن آنها از منزل، تمام در و دیوار خانه فرو ریخت. هرچه از صحنه انفجار تعریف می کند مربوط به روز بعد از حادثه است، اما انگار با تمام اعضا و جوارح آن لحظه را درک کرده: «سال ۱۳۷۳ ساکن واحد جنوبی طبقه سوم شدیم و حالا نمره ۷۹ سال عمری که از خدا گرفتم زیر کوهی از آوار دفن شده است.

ساختمان ۳ طبقه سر کوجه که هدف دشمن بود کاملاً پودر و به جای آن یک کودال چند ده متری کنده شد. بعد اینکه از سازمان ایرانگردی و جهانگردی سابق بازنشسته شدم راننده تاکسی شدم تا شرمند زن و بچه نباشم، ولی در اثر شدت انفجار ماشین که در پارکینگ بود آسیب جدی دید و حالا راهی ندارم جز اینکه برای باقی عمری که خدا به من می دهد راضی به رضای خودش باشم.»

چشم های آبی پیرمرد از مرور جنگ ایران و عراق پر از اشک شده و ادامه می دهد: «به فاصله ۴۵ سال، دو جنگ تحمیلی را به چشم دیدم، اما همچنان به ایران عشق می ورزم. من در این آب و خاک ریشه ای دارم و به این افتخار می کنم که دشمن خارجی بارها خواسته به این میهن تجاوز کند، اما هیچ وقت

بهشت آندیا

دختر کوچولو با دایی جانش آن طرف خط تلفن صحبت می کند و با گریه به او می گوید «دیدی بهشت آندیا زود تموم شد». پدر و مادرش خودشان را «وارزه» معرفی می کنند. برای اینکه دختر کوچولو بیشتر از این آشفته نشود معادل انگلیسی کلمه جنگ را به خودشان نسبت می دهند. خانم وارزه می گوید: «روز سوم جنگ که محدوده خیابان صابونچی مورد هدف قرار گرفت، آندیا بشدت ترسید و ما تصمیم گرفتیم تا آرام شدن اوضاع از تهران خارج شویم. درست روز آخر جنگ که حوالی منطقه سید خندان مورد هدف قرار گرفت خانه ما هم تخریب شد. آندیا از چهره ناراحت ما متوجه شده که مشکلی پیش آمده ولی در تصوراتش فکر می کند خانه آتش گرفته است. برای همین مدام سعی می کنیم به او بگوییم برای تفریح به هتل آدمی تاکمی آب ها از آسیاب بیفتد و ما هم بتوانیم مصیبتی را که سرمان آمده هضم کنیم.» بعد از آتش بس که برگشتند، از خانه ای که خردا شده و با تمام پس اندازشان خریده بودند چیزی باقی نمانده بود. بهشت آندیا به مخروبه ای بدل شده و تمام وسایلی که تازه خریده بودند زیر آوار مدفون شده بود.

نمره اش از هم پاشید انگار از درون پاشیده ام ولی من که جنگ ۸ ساله را دیدم سعی می کنم حتی نوه ۲۰ ساله ام را متوجه کنم که حفظ ایران از رفاه ما مهم تر است و خوشحالم این جنگ هرچه نداشت، دست کم به آدم های کوتاه نظر نشان داد مردم ایران همدل هستند و با ایران دوستی شان از یک وجب این خاک هم نمی گذرند، همان طور که هیچ کس مادرش را ترک نمی کند.»

این اعتقاد پیرمرد است، برای همین هم این طور که دخترش می گوید به مسئول ستاد بحران که برای بررسی وضعیت زندگی شان آمده بود، گفت: «می دانم شرایط سخت است و همه ما باید به سهم خودمان هوای ایران را داشته باشیم، ولی من دو روز، ۵ روز، نه اصلاً ۱۰ روز منزل پسرم بمانم. بالاخره که چی؟ نمی توانم مزاحم آنها باشم و آسایش خانواده او را بگیرم، حاضرم پتو و بالش به من و خانواده ام بدهید، مثل زمان جنگ در کلاس درس یکی از مدرسه ها اسکان داشته باشیم.»

او هنوز به مردان این وطن، به عهدشان

با همین جمله، قطره اشکی از گوشه چشم مرد مسئول سرزیر شد و حالا چند روزی است که در یکی از هتل های شرق تهران به آنها پذیرش داده تا روزی که برای وضعیت آنها و سایر شهروندانی که خانه هایشان آسیب دیده تصمیم نایسته ای گرفته شود.

دلیم برای خانه ام تنگ شده

بامداد جمعه بیست و سوم خردادماه، اولین روز از حمله هوایی رژیم اسرائیل به مناطق مسکونی پایتخت کلید خورد. خانواده «فهم جو» در همین روز و پس از حمله نظامی به محدوده میدان هشتم نارمک، خانه و زندگی شان را از دست دادند. تا روز دوازدهم جنگ، هربار که منطقه مسکونی جدیدی مورد هدف قرار گرفت یک ترک تازه به شیشه قلب مادر خانواده افتاد و هربار خودش را جای کسانی گذاشت که دشمن زیاده خواه، خانه به دوشان کرد. تمام اعضای این خانواده که پس از حدود ۲۰ روز در یکی از هتل های شهر تهران اسکان داده شدند، نگاه شان به زندگی تغییر کرده، اما مادر خانواده نگاه عجیبی دارد. او که به دلیل عارضه دیسک کمر و به تجویز پزشک متخصص باید دو ماه در استراحت مطلق به سر می برد اما این روزها هرکاری انجام داده جز استراحت؛ می گوید: «تجربه حمله دشمن به خانه و زندگی آدم، تجربه خیلی تلخی هست، برای همین به جان خودم قسم، همان روز اول گفتم دار و ندار ما که از دست رفت،



عکس: حسن شیروانی / ایرنا

کرده و بیشتر برای چه چیزی دلنگن شده ای؟ او که به قول خودش عاشق دروهمی های خانوادگی است، جواب می دهد: «دلیم لک زده برای اینکه نوبت خانه خودم کلی میهمان دعوت کنم. دلم برای آرامش خانه خودم تنگ شده. پارسال که تصمیم گرفتیم خانه را بازسازی کنیم در قرارداد نوشته شد یک ماهه تحویل داده می شود ولی نزدیک ۶ ماه طول کشید و همه ما کلی سختی را تحمل کردیم به این امید که خانه باب سلیقه خودمان می شود. حیف که عمر خانه دوست داشتنی ما کوتاه بود و نمی دانم تا کی حسرت برگزاری یک میهمانی پرسروصدا به قلمب جنگ خواهد زد.»

تلافی محبت و حسرت

امکان اسکان تک تک کسانی که در نتیجه جنگی نابرابر، ناگزیر از خانه و زندگی شان کوچیده اند، در هتل های شهر تهران و میهمانسراهای شهرستان ها فراهم شده، اما در این میان مایه مایهات، رفتار دلگرم کننده مسئولین است که مراتب این ساماندهی را عهده دار هستند. تک تک کسانی که آسیب دیده جنگ تحمیلی ۱۲ روزه هستند و در این امکان مستقر شده اند، از برخورد صمیمی و محترمانه مسئولین می گویند و از اینکه حس نود دوستی و همدلی پررنگ تر از قبل در میان افشار مختلف جامعه به چشم می خورد ابراز خوشنودی می کنند، ولی این تمام ماجرا نیست؛ آنچه که این روزها ذهن آنها را مشغول کرده همان چیزی است



که مادر خانواده فهم جو می گوید؛ دل شان گوشه دنج خانه خودشان را می خواهد. مرد جوانی که در یکی از هتل های شرق تهران ساکن شده و به گفته خودش دو ماه قبل چیزی حدود ۴۰۰ میلیون تومان برای خانه اش خرج کرده بود، دلش می خواهد یکبار دیگر از تراس خانه مورد علاقه اش به آسمان نگاه کند. گوشه دنجی که در آخرین شب حمله اسرائیل به مناطق مسکونی و در اثر موج انفجار، به تلی آمار ارائه شده از سوی شهردار تهران، شمار شهروندانی که خانه هایشان در نتیجه تجاوز وحشیانه رژیم اسرائیل تخریب و غیر قابل سکونت شده به بیش از ۵۵۰ نفر می رسد و برای دریافت خدمات در ۷ هتل تهران مستقر شده اند.

خانواده «فهم جو» هم در یکی از این هتل ها یعنی هتل بین المللی «لاله» ساکن شده اند، اما مادر خانواده همان خانه و زندگی آرام و صمیمی خودش را می خواهد. از او می پرسیم این مدت با افکار و عقایدت چه

من حاضرم این وضعیت را با همه سختی آن تحمل کنم ولی خانه ما آخرین خانه ای باشد که خراب می شود و این تجربه تلخ برای بقیه مردم ایران که همه مثل اعضای یک خانواده ایم تکرار نشود. چند روز دیگر ماهگرد تجاوز نظامی اسرائیل به مناطق غیر نظامی به پیش از ۵۵۰ نفر می رسد و برای دریافت خدمات در ۷ هتل تهران مستقر شده اند.

خانواده «فهم جو» هم در یکی از این هتل ها یعنی هتل بین المللی «لاله» ساکن شده اند، اما مادر خانواده همان خانه و زندگی آرام و صمیمی خودش را می خواهد. از او می پرسیم این مدت با افکار و عقایدت چه

عکس: ها / ایرنا





گفت‌وگو با استیون سودربرگ درباره فیلم جدیدش کیف سیاه

همه چیز به تماشاگر برمی‌گردد

گفت و گو

رضا حسینی

منتقد و مترجم سینما

استیون سودربرگ کارگردان و دیوید کوپ نویسنده، برای فیلم جدیدشان ایده خیلی عجیبی داشتند: چه می‌شد اگر شخصیت‌های جرج و مارتا در فیلم کلاسیک «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد»، (محصول ۱۹۶۶، مایک نیکولز) جاسوس بودند.

حالا نتیجه، فیلمی شده است با عنوان کیف سیاهBlack Bag که مایکل فاسبندر، کیت بلانشت، ماریسا آبل، تام برگ، نومی هریس، رگی-ژان پیچ و پیرس برازنان از ستاره‌های آن هستند.

داستان هم درباره زن و شوهری جاسوس است (جرج وودهاوس/ مایکل فاسبندر

کیت بلانشت گفت شما سر

صحنه به همه گفتید این یک فیلم (Film) نیست. این یک مووی (Movie) است. چه منظوری داشتید؟

می‌خواستم حس و حال کیف سیاه را توصیف کنم و همه چیز به برخورد تماشاگر با اثر برمی‌گردد. از این منظر چنین حرفی را زدم تا بگویم کیف سیاه سرگرم‌کننده است و لحن ثقیلی ندارد.

شبیه متفاوتی را هم می‌شود در پیش گرفت و نسخه دیگری از این فیلم را ساخت؛ جوری که برای عموم کمتر سرگرم‌کننده باشد و تیره و تارتر باشد که خب این نسخه‌ای نبود که در ذهن داشتیم. تصورم درباره

کیف سیاه این بود که تماشاگر با یک فیلم هالیوودی واقعی طرف است و من باید ستاره‌های سینما را دور هم جمع کنم و همگی عالی به نظر برسند. (توضیح مترجم: در کل، فیلم به یک اثر سینمایی-هنری گفته می‌شود و مووی به یک اثر سینمایی-تجاری.)

این موضوع چطور روی سرو شکل کیف سیاه تأثیر گذاشت؛ رنگ‌هایی بود که از آنها استفاده نکنید؟ از نورپردازی کهربایی خیلی بهره برده‌اید.

رنگ قرمز چندان در فیلم استفاده نشده است. مدنظرم حس و حال خیلی گرم و نورپردازی ملایم و لطیف

(سافت) بود چون می‌خواستیم بازیگران خارق‌العاده به نظر برسند و مهم‌تر از همه رنگ کهربایی که شیک و زیباست. برای صحنه میز شام ابتدای فیلم، واقعاً کنتراستی می‌خواستم بین ظاهر باشکوه دورهمی و نیت اهریمنی‌ای که در دل این رویداد نهفته بود.

فکرمی‌کردم این کنتراست واقعاً می‌تواند جذاب باشد و تصویر را به یک تابلوی نقاشی توجه‌برانگیز و جذاب‌کننده بدل کند که هدفی بسیار سیاه در پس آن نهفته است و دومین صحنه میز شام در پایان فیلم، به مراتب زیبایی کمتری دارد و بازجوابانه‌تر است و از نور بالای

سری استفاده کردیم که انگار روی شخصیت‌ها سنگینی می‌کند و می‌خواهد آنها را سر جای‌شان بنشانند؛ واقعاً حس و حال بسیار متفاوتی دارد.

فیلمبرداری این

دو فصل میهمانی

شام-که در

اولی شخصیت

مایکل فاسبندر

می‌خواهد

جاسوس را پیدا

کند و در دومی

خاتمی پیدا می‌شود-

دشوار بود؟

اینها فصل‌هایی بودند که



کیف سیاه

فیلمی

سرگرم‌کننده

است و

لحن ثقیلی

ندارد. شبیه

متفاوتی را هم

می‌شود در

پیش گرفت و

نسخه دیگری

از این فیلم

را ساخت؛

جوری که برای

عموم کمتر

سرگرم‌کننده

باشد و تیره

و تارتر باشد

که خب این

نسخه‌ای نبود

که در ذهن

داشتیم

مرا به وحشت می‌انداختند! در واقع فیلمبرداری صحنه میز شام، کابوس هر کارگردانی است و واقعاً هیچ‌کس نمی‌خواهد چنین صحنه‌هایی را کارگردانی کند.

چرا فیلمبرداری این صحنه‌ها

ترسناک است؟

این صحنه‌ها ممکن است خیلی بی‌تحرک و ملال‌آور شوند. تازه حفظ پیوستگی و به اصطلاح راکورد هم بسیار دشوار است. در واقع این صحنه گواهی است بر توانایی دیوید کوپ به عنوان فیلمنامه‌نویس که می‌تواند داستانی را روایت کند که در آن، دو فصل این شکلی داریم و هر دو هم فصل‌های کلیدی فیلم هستند. در کلاس‌های فیلمنامه‌نویسی به شما می‌گویند یک بار هم، سراغ نوشتن چنین فصل‌هایی نروید! اما دیوید، سینما را بلند است و می‌داند از پس چه کاری برمی‌آید.

وقتی سر پروژه قبلی‌مان از او درباره فیلمنامه کیف سیاه سؤال کردم، چنین جوابم را داد: «عالی. تازه نوشتن یک میز شام دوازده صفحه‌ای را تمام کرده‌ام.» به او گفتم: «خدا به داد کسی برسد که می‌خواهد آن را کارگردانی کند!»

کیف سیاه با مدت زمان ۹۳

دقیقه خیلی کارآمد است. اخیراً احساس می‌کنم فیلم‌های واقعاً طولانی زیادی تماشا می‌کنم.

فیلمنامه بلند نبود و چیزی حدود ۱۰۶ صفحه داشت. پس از اساس شسته و رفته بود و ضرباهنگ سریعی داشت، اما من در سال‌های اخیر علاقه تازه‌ای پیدا کرده‌ام! فیلم «حضور» (۲۰۲۴) ۸۵ دقیقه بود و فیلم «میمی» (۲۰۲۲) ۹۰ دقیقه.

هدف، شناسایی مواردی است که در همان مرحله فیلمنامه می‌شود حذف‌شان کرد چون باعث صرفه جویی در زمان و بودجه می‌شود.

اگر در این مرحله سخت بگیرد، نتیجه اش را خواهید دید. شما در این دوره و زمانه اغلب از واکنش‌های تماشاگران غافلگیر می‌شوید؛ برای همین، هستند



فرهنگی

آنها با وجود این واقعیت که حرفه مسمومی دارند، رابطه سالمی را پیش می‌برند.

بله همین‌طور است و تا جایی که ما در مرحله تحقیق یا چنین آدم‌هایی صحبت کردیم، در این کسب‌وکار قرار‌های آشنایی زیادی صورت می‌گیرند... قابل درک است که جاسوسان با همتاهای خودشان قرار بگذارند چون برقراری رابطه عاطفی پایدار با آدم‌های عادی واقعاً دشوار است.

مایکل فاسبندر عینک می‌زند. این امر ارجاعی است به شخصیت هری پالمِر؟ به‌علاوه، نام او جرج است. آیا این هم ارجاعی است به شخصیت جرج اسمایلی یا جرج در فیلم چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟

بله. عینک در فیلمنامه بود اما دیوید و من طرفداران پروپاقرص فیلم‌های جاسوسی مایکل کین (بازگر اصلی نقش هری پالمِر در تاریخ سینما) هستیم و این فیلم هم خیلی به آن فیلم‌ها به‌خصوص دو نای اول شاهدت دارد.

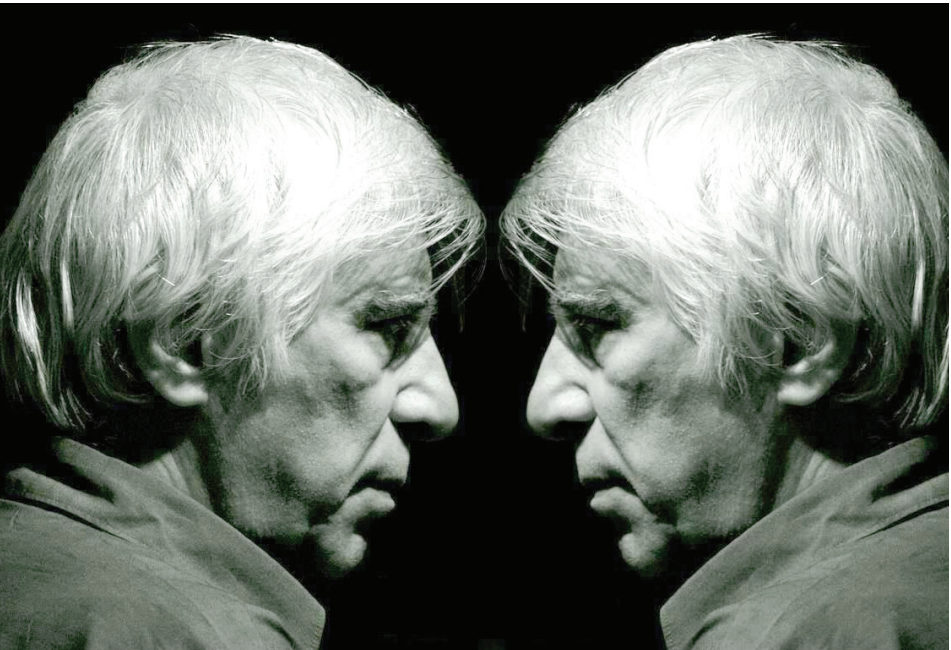
جرج هم ارجاعی است به ویرجینیا وولف. البته شخصیت اسمایلی (شخصیت ساختگی آثار جان لوکاره نویسنده) هم هست. نمی‌دانم دیوید به این موضوع فکر کرده بود یا نه، اما من واقعاً لوکاره و آثار جاسوسی واقع‌گرایانه‌تر را دوست دارم؛ بویژه که جاسوسی کردن در دهه اخیر به‌خاطر فناوری-بسیار تغییر کرده است. ما دیگر در دنیایی زندگی نمی‌کنیم که شما بتوانید در آن با هویت‌های متفاوت سفر کنید و در گاو صندوق‌تان چند گذرنامه داشته باشید.

اگر کیف سیاه شکست بخورد، رویکردتان در این صنعت را بازنگری می‌کنید؟

بله. اشتباه کردن اشکالی ندارد. فقط نباید اشتباه‌های قبلی را تکرار کرد. اگر این فیلم شکست بخورد، عجله‌ای در ساختن فیلم دیگری درباره چنین آدم‌هایی نخواهم داشت. قواعد بازی ما همین است. شما می‌خواهید مردم به تماشای فیلم‌تان بروند. فقط باید حد و اندازه پروژه را رعایت کنید تا اگر در گیشه شکست خوردید، فاجعه‌بار نشود. من تازه فیلمبرداری کریستوفرز را تمام کرده‌ام و نمی‌دانم پروژه بعدی‌ام چیست. موفقیت یا شکست این فیلم می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

چرا فیلم وسترن نمی‌سازید؟ من از اسب‌ها می‌ترسم.

منبع: وریاتی، برنت لنگ



و فرهنگی خود دانسته است. او در فیلم‌هایش خودآگاهی، تعلق خاطر و پایبندی به ارزش‌ها، باورها، نمادها و اسطوره‌های ملی و آگاهی از جغرافیای ایران و میراث فرهنگی را امری ضروری و نجات‌دهنده توصیف کرده است. بیضایی نه‌فقط مسأله ایران را هويت که در ساحت فرهنگ معنا پیدا می‌کند بلکه اساساً مسأله اصلی جهان امروز را فرهنگ می‌داند. به قول آن سخن معروفش که هنگام دریافت نشان یونسکو گفته بود: «این جهان را چاره‌ای جز فرهنگ نیست.»

مواردی که باید برگردید و اصلاح‌شان کنید. من همیشه بخشی از منابع و بودجه را برای فیلمبرداری مجدد نگه می‌دارم چون روایت باید شسته و رفته باشد به‌خصوص در فیلمی مثل کیف سیاه که شیوه ارائه اطلاعات و افشای داستان واقعاً سرنوشت‌ساز است.

زیاد فیلمبرداری مجدد کردید؟ تقریباً دو روز که به هیچ وجه زیاد نیست، اما برنامه کاری مایکل فاسبندر پیچیده شد چون در سریال «سازمان» (۲۰۲۴) بازی می‌کرد؛ کار به جایی کشید که من دو ساعت با مایکل کار داشتم اما مجبور شدم سه ماه صبر کنم تا او فرصتی پیدا کند. همه کارها انجام شده بود اما لنگ همین صحنه کوچک بودیم.

فیلم‌های جاسوسی برای خودشان ژانری جاافتاده و کلاسیک دارند. این داستان از چه نظر برای ساخت یک فیلم جاسوسی متفاوت، جالب بود؟ دیوید راهی پیدا کرد که فیلم‌تر و تازه به نظر برسد. او برای این منظور روی شخصیت‌ها تمرکز کرد به جای اینکه فیلمنامه به سمت یک فیلم جاسوسی اکشن برود، آهنگی احساسی و روان‌شناختی به خود گرفت. ترنند رسیدن به یک داستان خوب این است که داستان پایانی غافلگیرکننده و در عین حال اجتناب‌ناپذیر داشته باشد، البته کار راحتی نیست و واقعاً مهارت می‌خواهد.

گاهی وقت‌ها شما می‌توانید تماشاگران را غافلگیر کنید اما درست به نظر نمی‌رسد یا ارگانیک نیست. صحنه کلیدی ما جایی بود که کاترین به خانه برمی‌گردد و مایکل به او می‌گوید: «مطمئنم که برام پاپوش دوختند.» و کاترین هم پاسخ می‌دهد: «فکرمی‌کنم برای من هم دوختند.» این صحنه به نقطه انکای کل پیرنگ و این دو شخصیت بدل شد چون در این بخش از داستان، شما هم تا حدی نگران زندگی مشترک آنها شده‌اید و از اینجاست که اعتماد و صمیمیت آنها نسبت به هم تقویت می‌شود و معما را حل می‌کنند.

این موضوع هم غیرمعمول بود که فیلمی درباره زندگی مشترک زو جی ببینید و رابطه عاشقانه آنها موضوع اصلی نباشد و این ایده را هم دوست داشتم که همکاران‌شان به نوعی از زندگی مشترک خوب و خوش آنها دل خوشی ندارند!

کامل و یکپارچه دست می‌یابد. توجه بیضایی به مسأله هويت، ناظر به ابعاد مختلف این مفهوم است که در هر فیلمی یکی از آنها برجسته‌تر می‌شود: مثلاً در فیلم «رگبار»، بیضایی به بعد فرهنگی و سیاسی هويت ملی بیشترین توجه را نشان داده است و ابعاد جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی در درجات بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند یا در فیلم «غریبه و مه»، فیلمساز هیچ‌گونه توجهی به هويت ملی و سیاسی نشان نداده و تنها هويت اجتماعی و تاریخی برای او اهمیت داشته است.

در این فیلم، فیلمساز به هويت

یادداشت

رضا صائمی دبیر گروه فرهنگی

شاید در یک ماه گذشته هیچ مفهومی به اندازه «ایران»، «ایرانی»، «وطن» و مفاهیم برساخته آن کاربرد زبانی نداشته است. گویی جنگ ۱۲ روزه اخیر، بار دیگر مفهوم ایرانی را احضار کرده و در کانون روایت‌های گوناگون قرار داده است.

بی شک یکی از مهم‌ترین روایت‌ها از ایرانی و هويت ایرانی در سینما باشد که ایرانی بودن را در شمایل دراماتیکش به تصویر می‌کشد. نمی‌توان از هويت ملی و فرهنگ ایرانی سخن گفت و سینمای بهرام بیضایی را به یاد نیاورد.

بیون شک او یکی از دغدغه‌مندترین فیلمسازان نسبت به مسأله هويت و فرهنگ ایرانی است که نه‌فقط در عرصه سینما که در قلمرو ادبیات و هنر نمایشی، می‌توان رد این دغدغه‌مندی را دید؛ از کتاب‌هایی که نوشته تا آثار نمایشی و تصویری که ساخته است. از سوی دیگر، بیضایی فیلمسازی متعلق به جریان موج نوی سینمای ایران است

بازنمایی هويت ملی در آثار بهرام بیضایی

رنج و گنج‌های ایرانی بودن

یادداشت

رضا صائمی دبیر گروه فرهنگی

که نوعی سینمای ساختارشکن و معترض هم محسوب می‌شد و نگاهی انتقادی به بحران هويت در تابلوم‌های تاریخی و سیاسی داشت. با اوهمه از دست رفتن هويت ملی، به ساخت فیلم روی آوردند. سینمای روشنفکری نگران تخریب فرهنگی بود که موجب تضعیف امنیت هويت شده و به بحران هويت ملی و فرهنگی منجر شده بود. نه‌فقط هويت ملی که هويت قومی هم در جهان سینمایی بیضایی مورد توجه بود که مصداق بارز آن را می‌توان فیلم «باشو غریبه‌ای کوچک» دانست که گفت‌وگو بین قومیت‌های ایرانی را برجسته کرد تا درنهایت به دفاع از هويت ملی بپردازد.

فیلم‌های اولیه بیضایی یعنی «رگبار»، «غریبه و مه» و «چریکه تارا» هم در پرزنگی از مفهوم هويت ملی را در قصه خود بازنمایی می‌کنند و «مرگ یزدگرد» هم سراغ واقعای در دل تاریخ ایران می‌رود تا هويت ملی را در روایت و خوانش تاریخی آن به کانون درام بکشانند. اساساً بیضایی در سینمای خود از نوعی احساس کم‌گشنگی در جامعه ایرانی سخن می‌گوید و همواره دنبال هويت است.

از هويت فردی و فرهنگی گرفته تا هويت اجتماعی و ملی و تاریخی. قهرمانان او عموماً دنبال پاسخی برای پرسش «من کیستم»، هستند. آیین‌ها و سنت‌های از یادرفته و شیوه و سبک گفتاری شخصیت‌هایش، به‌کارگیری زبان فارسی فاخر و سلیس و مخالفتش با پذیرش پوسته ظاهری مدرنیته، دلایل و عناصر دیگری است که نشان می‌دهد او چقدر نسبت به مسأله هويت و ایرانیت در جهان معاصر دغدغه دارد. خود او درباره هويت و بحران آن چنین می‌گوید: «ایران در قرن نوزدهم از خواب سنگینی بیدار شد و خود را با دنیایی روبه‌رو دید که برداشت دیگری از زندگی داشت. سرگردانی میان ریشه‌ها و سنت‌های دیرین از یک‌سو و جهان به‌اصطلاح پیشرفته از سوی دیگر، زندگی ما را از درون دویاره ساخت.

ما ارزش‌های پیشین را از دست دادیم، بی‌آنکه ارزش‌های تازه‌ای کسب کنیم. ما ملتی هستیم سرگردان میان دنیای کهن و دوران نوین، میان ساختارهای روستایی و شهری، میان ذهنیت سنتی و مدرن، میان سنت‌پرستی و خردگرایی. ما هويت خود را در این دوگانگی گم کرده‌ایم. نه می‌توانیم از گذشته

خود دل بکنیم، نه به آن قانع هستیم.

نه می‌توانیم ضرورت پیشرفت را انکار کنیم، نه برای اخذ آن آمادگی داریم. پس ناچار هستیم خود را با آنچه می‌سازیم، از نو تعریف کنیم؛ تنها از این راه به هويت حقیقی خود دست می‌یابیم.

ما در دوران تحول به‌سر می‌بریم و در میان نیروهای متضاد قرار گرفته‌ایم. این پرسش که «ما که هستیم»، تنها به من تعلق ندارد، بلکه همه روشنفکران نسل مرا به خود مشغول داشته است.» چنان‌که خودش تأکید کرده، مسأله کیستی و هويت ملی و تاریخی ما ایرانیان درواقع بخشی از گفتمان روشنفکرانه در زمانه‌ای بوده که بیضایی زیسته است و او، این دغدغه را در عرصه نمایش و سینما دنبال کرده است.

مسأله «هويت» است و مضمون اصلی فیلم‌های بیضایی دغدغه هويت بوده است. البته میزان و نوع این توجه در زمان‌های مختلف و در فیلم‌های گوناگونش، متفاوت است. به‌نظر می‌رسد قهرمانان فیلم‌های بیضایی در گذر زمان هويت خود را هرچه بیشتر درک می‌کنند و در آخرین فیلم که در سال ۱۳۵۷ ساخته است، قهرمان فیلم (تارا) به هويتي

کلماتی بالاتر از هزار لوح افتخار در میان رهبران فرهنگی شرق

آن گاه که گفت وگویم به نام عباس کیارستمی رسید و کمی طول کشید، نگاهش تغییر کرد. گرم شد. دستم را محکم فشرد و رها نکرد. خواستم خود اخطا کنم که دوباره دستم را گرفت. با صدایی آرام ولی قاطع گفت: «ایران... دلها با ایران است». بعد رو به همراهانش عباراتی به زبان چینی گفت. مترجم چینی اش رو به من کرد و با احترام توضیح داد: «ایشان گفتند اولین بر شما، قدرتمندید. در جنگ با اسرائیل خوب عمل کردید». ما شما را دنبال می کنیم، از شما حمایت می کنیم». الحظهای سنگین و باشکوه بود. نگاهی نافذ و تحسین برانگیز از شخصیتی که از بالاترین مقامات حزب کمونیست چین است. احساسی از افتخار در درونم شعله ور شد. در آن زمان بزرگ، در میان رهبران فرهنگی شرق، این کلمات برای من از هزار لوح افتخار بالاتر بود.

وقتی همه منتقد فیلم می شوند

صفحات مجازی پر شده از اظهارنظرها و تحلیل هایی در قالب های ویدئو و نوشتار، که خوانش های خود را از فیلم به مثابه نقد فرض می گیرند و گاه به پای دفاع از نقد خود (چه مثبت، چه منفی) با دیگران به مجادله هم می پردازند.

برخی هم اگر متن و نقدی درباره فیلم بخوانند که بر آن موافق نیستند دست به بلاک می زنند؛ حتی اگر صاحب صفحه، منتقد باشد و شناخته شده باشد.

در واقع نه فقط با حجم بالای نقدها که گاه با همه بالایی افراد به نظر یکدیگر روبه رو هستیم که خود را منتقد می دانند! خودمنتقدانرانی که چه فیلم را پسندیده اند و چه نپسندیده اند، به دفاع افراطی از دیدگاه خود پرداخته و آنچنان فیلم را آنچنان نرمی کنند! گوئی «منتقد فیلم» بودن به شغل دوم محسوب تبدیل شده است؛ چنان که حالا باید از قول حافظ گفت: «نقد‌ها را بود آیا که عیسای گیرند؟»

واقعیت این است که چندسالی است بویژه با بسط فناوری های ارتباطی و توسعه اینترنت و شبکه های اجتماعی با پدیده ای به اسم «منتقدان فیلم مجازی» مواجه هستیم که کمان می کنند نگارش و روایت احساس شان به حق فیلم و خوشامد یا بدآمد از یک فیلم نامش «نقد» است؛ در واقع شاهد یک تشبث آر درباره مفهوم نقد و نقادی هستیم که موجب شده «نقد حرفه ای» از شناخت خود تهی شده و با اعتبارش کاسته شود. ما امروز نه فقط با سینمای مبتذل که با نقد مبتذل هم مواجه هستیم. نقدهای پیش پا افتاده و دم دستی که اظهارنظر شخصی را به نام نقد تعریف می کند.

با دبییی است که هر فردی می تواند صاحب دیدگاه شخصی درباره آثار هنری از جمله فیلم های سینمایی باشد. اساساً این خوانش مخاطب است که اثر هنری

که با حضور
کودکان و
نوجوانانی که
آموزش بازیگری،
آواز و موسیقی و
حرکت دیده‌اند،
اجرای می‌شود
توسط کمیسیون
ملی یونسکو
مورد حمایت قرار
گرفته است

یک ارزیابی زیبایی‌شناختی و روشمند درباره اثر است که مبتنی بر متمدن‌های هنری صورت می‌گیرد. روش و رویکرد دارد و براساس نگارش و نگارش‌های متمدن بنا می‌شود. در ادامه یک‌بار شکل خود، نقد فیلم مبتنی بر نظریه‌های زیبایی‌شناختی و تئوری‌های زیبایی‌شناختی نوشته می‌شود یا در خوانش‌های بینارشته‌ای با ارجاع به تئوری‌های علوم انسانی.

اطلاعات نظریه‌های مجازی اما بیشتر احساسات خام و پردازش نشده و فاقه‌پست‌نویس‌های نظری و زیبایی‌شناسی است که منطق درماندگی ندارد و اغلب ناشی از بدفهمی مفاهیم سینمایی است. از جمله این بدفهمی‌ها، افراط در روایت‌های نمادین است.

نقد‌های نمادپردازانه خاستگاه روانکاوانه دارد. با رشد علم روانکاوی به حیطه نقد هنری وارد شده اما گاه آن‌ها افراط پیدا می‌کند و می‌گوید روش فریود گفته بود: «گاهی سیگار فقط یک سیگار است» تا بر این نکته تأکید کرده باشد که همیشه و همه‌جا هر چیزی نماد آن چیز دیگر نیست. جالب اینکه این نمادپردازی‌های افراطی از سوی دو قطب مخالف و موافق فیلم علیه هم استفاده می‌شود و هر طیفی می‌خواهد نقد‌هایی را از فیلم بیرون بکشد که در تضاد با نمادپردازی‌های طیف مقابل باشد. نمادهایی که بیشتر خوانش ذهنی مخاطب است، نه مقصود مؤلف، نه فقط سینما، که نقد سینما به نیازمند بازنگری است تا عیار آن در غبار بدفهمی‌ها روشن شود.